



در نوازش هر نسیم  
در همه‌ها هر باد  
در غرش هر تندر  
در موج هر دریا  
در خشم هر آتشفشان  
یاد و خاطره ات همواره با ما خواهد ماند

مطالب این شماره:

- |    |  |
|----|--|
| ۲  | پیام سازمان زنان هشت مارس                  |
| ۴  | گزارشی از مراسم یادمان رفیق مینا حق شناس   |
| ۹  | پیام میترا حق شناس در مراسم یادبود مینا    |
| ۱۰ | پیام آذر درخشان در مراسم یاد بود رفیق مینا |
- همکاران این شماره:
- لیلا پرنیان، آذر درخشان، فریدا فراز، فریبا امیر خیزی

مجموعه ای از پیام های رسیده به مناسبت درگذشت  
رفیق مینا حق شناس

## پیام سازمان زنان هشت مارس به مراسم بزرگداشت رفیق مینا حق شناس

۲۱ ژانویه ۲۰۱۱ در شهر لوند - سوئد: این پیام توسط لیلا پرنیان ارائه شد.

مینا: تو چگونه زندگی کردی که مرگت اینقدر سنگین است؟ تو چگونه زندگی کردی که بهترین های جامعه ی استبداد زده و اسیر ما موناها، تراب ها، شهرزادها، لیلا ها، یاسمین ها، گیسوها، ناصرها، میناها، بصیر ها، نصرت ها، ظاهره ها و حتا آنان که تو را از نزدیک نمی شناختند. این چنین با حسرت می گویند چه حیف که از میان ما رفت! و عهد می کنند که جبهه ی مقاومت در برابر امواج سازش و تسلیم که از هر سو می وزد را محکم کنند. و جوانان پیمان می بندند که کوشش های فروتنانه ی تو برای رهایی زنان و همهء ستمدیدگان را بی پاسخ نگذارند و راهت را پر رهرو کنند. و مانند تو در دالان ها و دهلیزهای این تاریخ شانه به زیر بار سنگین تلاش برای رهایی بشریت دهند.

که زندگی خود را در این راه گذاشته اند باری گران بر قلب همراهان می گذارد. جای خالی تو همه مشتاقان رهایی زنان ایران را متأثر خواهد کرد.

مینا بزرگ زن انترناسیونالیست زندگی خود را در کمان رهایی انسان ها از هرگونه ستم و استثمار گذاشت. او در پیچ و خم حوادث، افت جنبش انقلابی در ایران و جهان، یاس ها و سرخوردگی ها، هرگز ذره ای در انتخاب راه و وقف زندگی خود برای تغییر انقلابی جهان تردید نکرد. او معنای بودن خود را در تلاش برای تغییر و تحول می دید و پیشترها از هر فرصتی که دست می داد، زیستن برای ساختن آینده ای شایسته را در شعر می سرود. اشعار بجا مانده از او جلوه هایی از ژرفنای درون و گستره مفهوم زندگی در نزد اوست. مینا پیش از رفتن «مرگ را سرودی کرد سرزنده تر از زندگی!» ما را ترک کرد اما رد او بر ساحل زندگی پرقدرت باقی است. او در خاطر همه زنان و مردانی جای خواهد گرفت که ارزش تلاش برای ساختن جهانی که شایسته ی زیستن باشد را می دانند. او امروز و همیشه در خاطره همه ستمدیده گانی خواهد ماند که پیشروان و یاران پیگیر خود را در مبارزه برای رهایی از جهان ستم و استثمار، ارج می گذارند. این چنین بود که مینا سرود ماندگار زندگی شد. اندوه از دست دادن مینا را به همه شما یاران، دوستان، آشنایان، به فرزند دلبنده و مادر عزیزش و خواهر و برادرانش تسلیت می گوئیم.

یادش و خاطره اش پایدار و گرامی باد! ■

چه دلپذیر است که رفقای افغانستانی می نویسند: مینا بزرگ زن ایران، نه!، دلباخته ی رهایی خلق های دربند جهان!

چه دلپذیر است داشتن یار و یاورى مانند تو که از نسل زنان مبارز دوران انقلاب بودی و هیچگاه تسلیم چرخشهای سیاسی ایدئولوژیک محافظه کارانه ی چند دهه ی گذشته نشدی و با نیرو و روحیه ای قوی در راه سرنگونی رژیم زن ستیز اسلامی مبارزه کردی.

چنان زندگی کردی که حتا پس از اینکه از میان ما رفتی، آرمان و روحیه ی انقلابی ات ماندگار است برای ما و برای زنان جوانی که باید به گلستان مقاومت زنان بپیوندند.

یکی از رفقا در مصاحبه اش با تلویزیونی گفت: مینا، مادر یا خواهر یا همسر هیچ کس نبود. او خودش بود؛ با اراده و تفکری مستقل. اگر هنگام این حرف، خودت حضور داشتی، صدای قهقهه ی زیبایی طنین می انداخت. چه دلپذیر است با چنین زنی که فروتنانه و پیگیر افق رهایی بخش را برای خود و دیگران ترسیم می کرد و راه می گشود، همگام بود.

رفیقی گفته است: هنر و دانش ویژه مینا در شناخت از ویژگی های مرد سالاری و عملکرد آن در جامعه و بلاخص شناخت او از رفتار مرد سالارانه در صف جنبش انقلابی در بین روشنفکران مرد و همچنین جسارت مینا در مبارزه با هر نوع رفتار مرد سالارانه بود! مطمئنا با شنیدن این حرف نیز لبخند رضایت بر لبانت نقش می بست.

مینا فعال کمونیست جنبش زنان بود؛ و برای مبارزه با ستم و استثمار هر خطری را به جان می خرید. از دست دادن رفقای



بی روح

می روم به حاشیه ها

می آویزم به شاخه ای شکننده روی آب

یا پاره سنگی خزه گرفته

لغزان

تا خود را در سردی ثانیه ها گم کنم.

زندگی جریان دارد....

موج وار

مثل حس من

در تمامی لحظه ها

و گریزان از تکرار

تکرار

مثل ته نشین شدن لحظه ای تلخ

در ذهن من،

مثل حس شناخت لحظه های نیامده

بی قرار

نامعلوم

لحظه هایی که من

برای شناختنش

زندگی می کنم! ۲۰۰۴

## زندگی جریان دارد

سروده ای از مینا

زندگی جریان دارد

مثل امواج دریا

گاهی نرم و آرام

در آغوش ساحل می آساید

گاهی خشمگین و هولناک

ساحل را دگرگون می کند.

زندگی جریان دارد....

مثل زمزمه باد

گاهی در گوش درختان

نجوا می کند عاشقانه

گاهی می غرد ترسناک

و شاخه ها را به آتش می کشد.

زندگی جریان دارد....

مثل رها شدن من

در جریان لحظه هایی که می آیند

و می روند

گاهی در بطن پراتهاب گرم لحظه ها

جان می گیرم

پرواز می کنم

به اوج می روم.

گاهی در انجماد لحظه ها

سرگردان

## وداع با آن که هزار خنده ی خورشید بر لب داشت!

گزارشی از مراسم یادمان رفیق مینا حق شناس



عده ای از رفقا و دوستانش سعی کرده بودند با همه مشکلات خود را زودتر به محل قرار برسانند تا لحظات بیشتری را در کنار هم و خانواده ی او سپری کنند تا هم این لحظات سخت را تاب بیاورند و هم با کمک خانواده مینا، مراسم وداع با او را آن چنان که شایسته یک زن کمونیست است، تدارک ببینند. خانواده ی مینا همچون خودش با همان لبخند جاودانه پذیرایمان شدند. هرچند که دلتنگ "مینای شکسته" بودند، اما یاران و رفقاییش را هم چون آشنایی دیرین پذیرا بودند.

روز وداع سرد و سخت بود. وقتی رهسپار محل خاکسپاری بودیم مه ی غلیظ و دلتنگ آسمان شهر لوند را پوشانده بود. می دانستیم که او زودتر از ما سر قرار حاضر است. پوسترهای سرخ رنگ مینا از قبل بر روی درختان گورستان چسبیده بود تا به موقع بر سر قرار با رفیق مینا برسیم. کم کم دیگران هم از راه های دور و نزدیک به ما پیوستند و هم گام شدیم تا او را پوشیده در بیرقی سرخ و با سرود انترناسیونال بر لب به خاک بسپاریم؛ و آخرین لحظات را با تمام غمی که در دل داشتیم سرود خوانان با او هم پیمان شدیم تا رهروی راهش باشیم. "آذر درخشان" یار و همراه و رفیق دیرینش چه زیبا و شاعرانه در لحظه خاکسپاری با او وداع کرد:

روز ۲۱ ژانویه ی ۲۰۱۱ در شهر لوند در جنوب کشور سوئد گرد آمدیم. این آخرین قرارمان با رفیق "مینا" بود تا با "تن خسته و رنجورش برای همیشه وداع گوئیم". بیش از ۱۵۰ نفر از یاران، دوستان، رفقا و خویشان، همه آن ها که دوستش داشتند و از او آموخته بودند، از سراسر اروپا، از راه های دور و نزدیک گرد آمده بودند. آنان هم که نمی توانستند در کنارمان باشند دلشان با ما بود و بخشی از دل نوشته های خود را در پیام های کوتاه و بلند برای مان فرستادند، که تسلی خاطر بود.

## لحظه سخت وداع با مینا فرا رسیده



مینای عزیز وداع با تو چه غمگنانه است  
 چرا که شور زندگی بودی  
 رفیق مینا وداع با تو چه اندوهگین است  
 چرا که شعر زندگی بودی  
 مینا جان وداع با تو چه دشوار است  
 چرا که عاشق طبیعت بودی و در جستجوی حقیقت  
 رفیق مینا وداع با تو مثل کوه سنگین است  
 چرا که تجسم زندگی معنا دار بودی  
 جهانی می خواستی بدون مرز، مذهب، ملت، طبقه  
 بدون تبعیض و نابرابری  
 بدون ستم و استثمار  
 ما با تن خسته ات برای همیشه وداع می گوئیم  
 تا به زایش طبیعت یاری رسانی  
 ما با جسم رنجورت برای همیشه وداع می گوئیم  
 تا بدل به گل و گیاه شوی  
 اما یاد و خاطره ات همواره با ما خواهد بود  
 در نوازش هر نسیم  
 در همهمه هر باد  
 در غرش هر تندر  
 در موج هر دریا  
 در خشم هر آتشفشان  
 یاد و خاطره ات همواره با ما خواهد ماند  
 در سوسوی هر ستاره  
 در روشنایی روز  
 در توفان خشم مردم  
 در لحظه سرخ موعود  
 در جشن بزرگ ستمدیدگان  
 تو با ما بودی، هستی و خواهی بود  
 در شوق رهایی زن  
 در شوق رهایی انسان  
 بدرود رفیق مینا  
 بدرود رفیق مینا  
 بدان که رویاهایت به خاک سپرده نخواهند شد  
 بلکه بر کوره راه هایی که انسانها می رزمند  
 و خورشید ارزانی یکدیگر می کنند  
 به گل خواهد نشست.



از قول یکی از کارکنان آرامگاه این مراسم بسیار متفاوت و گرم بود و در این شهر کوچک بی سابقه بود. خصوصاً وقتی که ما پیر و جوان، زن و مرد، ایرانی و غیر ایرانی با مشت‌های گره کرده سرود "انترناسیونال" میخواندیم یکی از آنان با ما به زبان سوئدی همراه شد "برخیز ای داغ لعنت خورده!" و این سرود راهی بود که تو، رفیق مینا گام در آن نهاده بودی. آری رفیق!

"تو از آغوش زمانه رفتی تا بر بستر تاریخ جاودان بمانی!"

### بعد از ظهر جمعه ۲۱ ژانویه:

وعده ما با سایرین و خانواده ی مینا همان روز ساعت ۴ بود تا این بار هم از او بگوئیم و از او بشنویم. او را بشناسیم و باز بشناسانیم.

باز هم حضور دوستان و یاران و همراهانش نه خارج از انتظار بلکه در خور بود. سالن مراسم یادبود مملو از یاران و دوستان دور و نزدیک مینا بود. بناچار بسیاری سرپا ایستاده بودند. سالن با بخشی از اشعار و نامه هایش در کنار پیام های ارسالی بسیارترین شده بود. تصاویر مینا از هر گوشه سالن با لبخندی دلنشین به ما می نگریست. همه سعی می کردند او را از لابلای اشعارش، خاطراتشان و یا گفتگوهای مشترک بیشتر بشناسند و به یاد بسپارند و یا رد پای زندگی فعال و اثرگذارش را از لابه لای پیام و کلام سخنرانان برنامہ بیابند. مراسم با خواندن سرود انترناسیونال و خواندن شعری از مینا توسط فریبا امیر خیزی که مسئولیت مراسم را بر عهده داشت، آغاز شد. سپس آذر درخشان در پیامی از طرف حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست)

گفت: "از اینکه در این لحظات سخت در کنار هم هستیم بسیار خوشحالم. تنها با همبستگی رفیقانه و در کنار هم بودن است که می توان چنین غم های بزرگی را تحمل کرد. غم مرگ یارانی که مثل کوه سنگین است." او سعی کرد از لابلای گفته های مینا و خاطرات رفقایش هر چه بیشتر ما را با "نسرین"، "ستاره"، "مینا" ... و خصوصیات برجسته اش آشنا کند، خصوصیات که باعث شده بود از مینا یک کمونیست، انترناسیونالیست و متعهد انقلابی و مصمم ساخته شود. او سعی کرد ضمن دلجویی و همدردی با خانواده و بستگان مینا به آن ها و ما بگوید که چرا و تحت چه تفکری مینا حتی در زندگی شخصی یک زن صریح، بی پرده، سنت شکن بود. آذر سخنرانی اش را با این شعر شاملو به پایان رساند:

### «چراغی در دست

### چراغی در دلم

### زنگار روح را صیقل می دهم

### آینه ای در برابر آینه ات می گذارم

### تا از تو....

### ابدیتی بسازم»

### او در تفسیر از این شعر گفت:

"منظور شاملو از این شعر

"بی نهایت" است، "بی نهایت" کردن بهترین ها. تکرار و تکثیر انسان آزاده و رها از هر ستمی. با احترام و درک آنچه با هم تفسیر کردیم، باید بگویم این بار قرعه به نام تو افتاده است. تکرار و تکثیر تو، بی نهایت کردن تو.... رفیق مینا" در ادامه میترا خواهر مینا، یار، همدم و پرستار خستگی ناپذیر تمام روزهای سخت بیماری اش سخن گفت. او اگر چه فشار غم و اندوه می آزدش اما محکم ایستاد و سخن گفت.

میترا با احساسی لطیف از خاطرات شیرینش با مینا یاد کرد، از زنی که علیه بایدها و نبایدها در محیط خانوادگی ایستاد و با کوله پشتی خانه را ترک کرد. او معتقد بود که او و سایر اعضای خانواده اش فکر می کردند مینا را می شناسند اما تازه پس از مرگ مینا و طی برگزاری این مراسم یادبود متوجه شده اند مینا را بقدر کافی نمی شناختند، نه ابعاد وسیع فعالیتش را و نه درجه اثر گذاری و اهمیت فعالیت های او را. شناخت جوانب گوناگون زندگی مینا برای خانواده اش تازگی داشت. آن ها بیشتر از قبل به مینا و اهداف و آرمان هایش افتخار می کنند.

یکی از برادران مینا درحالی که متأثر بود از هم بازی دوران کودکی خود گفت. او از زبان تیز و صریح مینا برای ما گفت و مبارزه اش علیه مردسالاری را ستود. او با خواندن اشعاری سخنرانی اش را به پایان برد. از طرف کلیه ی رفقای سیاسی مینا از خانواده ی او قدردانی شد و از اینکه تلاش و زحماتشان بسیار فراتر از برگزاری این مراسم بوده است و در تمام سال های بیماری همچون مردمک چشم از مینا مراقبت کرده اند. به ویژه از میترا که در این دوره یار و غم خوار رفقا و مینا بوده است و با صبر و استقامت خود به همه آموخت، ارزش دوست داشتن و عشق ورزیدن را، همراه با تعهد و کاردانی. از طرف حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) هفده سروده مینا که در یک مجموعه زیبا به نام "از شکوفه های درخت تن" گردآوری شده بود به کلیه ی حاضرین در مراسم به یادگار تقدیم شد.

جالب اینجاست که خواندن اشعاری زیبا و پر احساس از مینا در لابلای برنامه توسط فریبا نیز خالی از لطف نبود و همه را تحت تأثیر قرار می داد. مینا همان طور که در زندگی ساده، بی پیرایه و مصمم زیست در اشعارش هم با قدرت و مصمم و ساده دلایل زندگی، مبارزه و اهداف و آرمان هایش را بیان می کرد طوری که نیازی نبود او را در لابلای ایهام کلمات جستجو کنیم.

پخش ترانه های مورد علاقه ی او، سرود های انقلابی محبوبش و اسلاید شوهایی که خلاقانه از طرف دوستان ساخته و ارسال شده بود نیز گرما بخش احساسات در هم تنیده ی جمع بود.

لیلا پرنیان از طرف سازمان زنان ۸ مارس (ایران-افغانستان) صحبت کرد. سازمانی که مینا یکی از بنیان گذاران و فعالان آن بود. لیلا گفت: "مینا: تو چگونه زندگی کردی که مرگت اینقدر سنگین است؟ تو چگونه زندگی کردی که بهترین های جامعه ی استبداد زده و اسیر ما موناها، تراب ها، شهزادها و لیلا ها و یاسمین ها و گیسوها و ناصرها و میناها، و بصیر ها و نصرت ها و طاهره ها و حتا آنان که تو را از نزدیک نمی شناختند این چنین با حسرت می گویند چه حیف که از میان ما رفت! و عهد می کنند که جبهه ی مقاومت در برابر امواج سازش و تسلیم که از هر سو می وزد را محکم کنند."

لیلا پرنیان در پیامش تأکید کرد که: "مینا، مادر یا خواهر یا همسر هیچ کس نبود. او خودش بود؛ با اراده و تفکری مستقل."

ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه سرای متعهد و مردمی هم که نتوانسته بود در جمع ما حضور یابد از طریق ویدیویی احساسش را با خواندن یکی از اشعارش بیان کرد.

طاهره شمس از فعالین سازمان زنان ۸ مارس هم از مینا سخن گفت از چگونگی آشنایی اش با او، تأثیر مینا بر او و ادامه مبارزات؛ از پی گیری و تلاش مینا در آشنایی با زنان افغان و نفوذ در لایه های مختلف زندگی آنان در جهت ارتقا آگاهی آنان و مبارزه با ستم بر زن، از تجربه ی دورانی که مینا با وی از شهری به شهر دیگر می رفت و با زنان افغانستانی ارتباط برقرار می کرد.

سیمای بهاری دختر خاله ی مینا نیز گفتنی بسیار داشت. از خاطرات شاد کودکی خود با مینا گفت. از دخترکانی که با هم همبازی و همراز بودند و شوق فعالیت سیاسی سرشارشان می کرد ولی در نقطه ی انتخاب های آگاهانه ی سیاسی بر فاصله هایشان افزود اما علاقه و احترامشان به هم را نکاست و دیدار دوباره در تبعید خاطراتشان را زنده کرد.

لیلا قرانی از طرف شبکه ی زنان و رادیو صدای زنان به بیان خاطراتی شاد و بی پیرایه از مینا پرداخت و از روزهای دور مبارزاتی که در کنار هم در اروپا در پی راه کارهایی برای سازمان دادن به جنبش زنان بودند.

اما مینا رفیقی بود که به یک مرز و یک کشور تعلق نداشت. رفیقی که آرمانش را در رهایی کل بشریت از هر نوع ستم و استثمار جستجو می کرد. یکی از خصوصیات بارزش نیز انترناسیونالیسم او (در عمل و به طور واقعی) بود.

رفقای از دیگر ملیت ها در مراسم حضور داشتند. در این مراسم رفیق پیتر از آلمان حامل سه پیام بود. نخست پیامی از طرف "گروه مانیفست انقلابی در اروپا" را خواند. سپس پیامی از رفقای زن از کمونیستهای ترکیه را که مینا بر زندگی اش اثرگذار بود، خواند. سپس از مبارزات مشترک خود که هم رزم مینا بود سخن راند. او خاطرات زیبایی از هم کاری با مینا به ویژه در تظاهرات های اول ماه مه برلین داشت از تعهد و مسولیت پذیری او، از آمادگی اش برای مبارزه حرف زد و از مطالعه ی پی گیرش در به دست آوردن آخرین تئوری ها برای ادامه ی مبارزه. پیتر گفت: "خواندن یکی از نامه های مینا در سال ۲۰۰۵ مرا شوکه کرد چون درک روشنی از جایگاه بحث های باب آواکیان در سنتز نوین از علم کمونیسم ارائه داد. در حالی که من با این که خودم انگلیسی زبان هستم هنوز به آن تسلط نداشتم." در پایان پیتر صحبت های رفیقانه و صمیمانه ی خودش را با خواندن یک آواز ایرلندی پایان داد. او این آهنگ را به مینا تقدیم کرد آهنگی که ایرلندی ها در فراق رفقا یا خانواده آن را می خوانند.

رفیق نصرت تیمور زاده هم با احساساتی مشابه و انقلابی پیام "حزب کمونیست ایران" به "حزب کمونیست ایران (م ل م) را برایمان خواند.

او در این پیام که از یکی از شعرهای مینا و تاریخ جنبش کمونیستی جان مایه گرفته بود، چنین گفت: "می گویند و ما هم می گوئیم که این سلاله را پایانی نیست. از کموناردها آغاز کرده ایم و در این طی طریق، هم قلب طپنده ی تاریخ بوده ایم و هم شکست را

تجربه کرده‌ایم. هم آن و هم این بخشی از تاریخ ما بوده‌اند و هنوز هم نبردمان پایان نیافته است، هر چند که بسیاری از هم‌سنگرانمان را از دست داده‌ایم. تکیه گاه ما اردوی کار و زحمت است."

در ادامه گیسو شاکری هنرمند متعهد و مبارز با اجرای دو آهنگ زیبا، یکی به زبان افغانی و یکی فارسی فضا و احساسات جمع را دگرگون کرد. گیسو با آهنگ "نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟! " حاضرین در سالن را با خود همراه کرد و در قطعه ای که در یادبود مینا خواند بر ادامه ی مبارزات تا سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید کرد. از زمان درگذشت رفیق طی روزهای گذشته، شمار بسیاری از پیام های هم دردی برای رفقا، دوستان و خانواده اش ارسال شده است که در وب سایت سازمان زنان ۸ مارس و یا چاپ آن ها و چسباندنش بر دیوار سعی شد این همه احساسات و توجهات را منعکس کنیم اما امکان خواندن این پیام ها و یا حتی لیست آن ها در این مراسم نبود، فقط دو پیام که از ایران ارسال شده بود خوانده شد، یک پیام ارسالی از طرف جمعی از دختران دانشجو و پیامی از طرف "زنانی دیگر" که به وسیله ی فریبا و طاهره از فعالین سازمان زنان ۸ مارس خوانده شد.

در پیام جمعی از دختران دانشجو از ایران آمده بود: "این روزها تنها می خواهیم بدانیم وقتی همسن و سال ما بود چه می کرد وزندگی سراسر مبارزه اش چگونه بود؟ ای دریغ ... چقدر زود رفت و تنهایمان گذاشت. چقدر فاصله داریم تا مانند او شدن. ... چیزی که این روزها به آن مدام فکر

می کنیم این است که چقدر سخت است جایگزین او را جستن و پیدا کردن. چقدر مسئولیت مان فزون تر از قبل شده است. رفتنش باعث شد بیشتر از قبل بدانیم زمان اندک است و ما باید زود رشد کنیم.... پرچم انقلابی او همیشه افراشته خواهد بود و ما باید ادامه دهندگان آرمان ها و اهداف انقلابی او باشیم. بر می خیزیم چرا که اگر او بود نیز همین را می خواست و همین کار را انجام می داد. زیرا زندگی جاریست و مبارزه ادامه دارد." و در پیام "زنان دیگر" آمده است: "خبر درگذشت زن مبارز و کمونیست مینا حق شناس ما را سخت اندوهگین کرد. ما او را ندیده بودیم اما آرمان و آرزوهای او که رهایی کامل همه ی مردم از رنج جامعه طبقاتی بود را می شناسیم که همانا آرمان و آرزوی ماست." در ادامه ی برنامه از حاضرین در مراسم خواسته شد که احساسات و یا خاطراتشان در مورد مینا را با دیگران تقسیم کنند. یکی از حضار که ایرانی نبود با خواندن یک قطعه آهنگ به زبان عربی که هنگام فراق و از دست دادن عزیزان مرسوم است، احساساتش را بیان کرد. پروانه بکاه از خاطراتش با مینا گفت و از اینکه از همت و پیگیری مبارزات زنان کمونیستی چون مینا است که امروزه جنبش زنان را در جایی که هست می بینیم اگر چنین جنبشی و مبارزه و مقاومتی نبود امروز جمهوری اسلامی ستم و سرکوب زنان را به ابعاد دهشتناک دوران حرم سراها باز می گرداند. اشرف از فعالین تشکل زنان هشت مارس، تأکیدش بر ادامه ی مبارزه بود و برپاخواستن زنان، رفیقی از ادامه راه

کمونیستی و در دست گرفتن کمونیزم به عنوان علم توسط مینا گفت: فرخ به یاد مینا و روز دیدار. زورنا نواخت و در پایان مراسم میترا بار دیگر از طرف خانواده صحبت کرد. او پیام داوود پسر مینا و هم چنین مادرش را خواند. مادر مینا به علت بیماری و تألم قادر به صحبت در جمع نبود.

از نظر داوود در یک جمله مادرش زن خوشبختی بود چرا که آنگونه که می خواست زندگی کرد. مادر مینا هم از سختی دوران گفته بود از روزهای سختی که به عنوان مادر زندانی سیاسی برای ملاقات با پسرش ۱۰ سال راه خانه و زندان را پیموده و با تن بیمارش وقتی چهار سال پیش در غربت مینا را باز یافته و هر دو بیمار بودند و... میترا این بار از همه حضار تشکر کرد و از اینکه حضورشان چگونه تسلا ی او، داوود و خانواده است. از رفقای سربداران تشکر ویژه داشت بابت تمام هم راهی ها و هم دلی ها و کمک هایی که در تمام این دوران بیماری انجام دادند. او گفت مینا تنها نماند و تا آخرین روز زندگی اش یعنی هفتم ژانویه ی ۲۰۱۱ به زندگی و ادامه آن امید داشت و در انتظار داروهای جدید بود. او این روحیه را مرهون یاران حزبی و خانواده اش می دانست.

این مراسم گرم، دلنشین، اثرگذار و به یادماندنی با شنیدن یکی از آهنگ های مورد علاقه ی او و هم خوانی سرود انترناسیونال به وسیله ی حاضرین به پایان رسید. تمامی مراسم به همت رفقای دست اندرکار "تلویزیون کومله" (حزب کمونیست ایران) و "تلویزیون آسو سات" ضبط شده و به زودی در این دو کانال ماهواره ای پخش خواهند شد. ■



## پیام میترا حق شناس در مراسم یادبود خواهرش مینا

روزهای سخت هم چنین شیرین فعالیت های سیاسی اش بود که با زندگی مشترک سنتی او در تضاد بود. زندگی لوکس سنتی که او آن را زندان می نامید، زندانی که دیوارهایش از آجر بایدها و نبایدها ساخته شده بود نفس او را تنگ می کرد. شناخت ما از مینا روزهای سخت فعالیت های سیاسی اش بود که او را وادار کرد با پسر کوچکش سرپناه امنی را شب ها برای خود پیدا کند تا بتواند خود و فرزندش را از گیر افتادن به دست رژیم دیکتاتوری ایران مصون بدارد. شناخت ما از مینا روزهای سخت مبارزه اش بر علیه رژیم حاکم بر ایران بود که او را وادار می کرد که از این خانه به آن خانه نقل مکان کند تا بتواند خود را از چنگ دژخیمان جمهوری اسلامی مخفی کند. شناخت ما از مینا، عشقی بود که او به تنها فرزند خود داوود داشت و تضادی که او در درون خود داشت. مبارزه با زندگی خانوادگی در چارچوب لوکس سنتی اش. او بعد از مدت ها جنگ و جدال ذهنی خود، زندگی سیاسی را انتخاب کرد. تنها با یک کوله پشتی وارد فاز دیگری از زندگی شد. زندگی ای که او همیشه آرزو داشت و آن زندگی ای بود که دیوار نداشت، نفسش را تنگ نمی کرد. زندگی خودش را ساخت و آن را رنگ آمیزی کرد. او برای رسیدن به این زندگی، بایستی در جهت خلاف رودخانه ی زندگی سنتی با فرهنگ کهنه شنا می کرد با قدرتی که داشت او در جهت مخالف آب شنا می کرد. افرادی را که در این رودخانه در حال غرق شدن بودند را نجات می داد و از دیگران که با پیروزی به آن طرف رودخانه رسیده اند نیرو می گرفت.

و اما حضور همگی شما در این جا، جواب دادن تلفن های مکرر از نقاط مختلف جهان، خواندن متن ها و اطلاعیه ها در وصف مینا، تحویل گل های فراوان که توسط رفقای عزیز برای مینا فرستاده شده، ما خواهر و برادرها و مادر و فرزندش را به این واقعیت رساند که مینا در دنیایی بزرگ تر از آن چه ما تصور می کردیم زندگی می کرد. مینا به دنبال مقام و شهرت نبود.

مینا ستاره بود، یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت.

مینا بنفشه بود، گل داد و مژده داد، زمستان شکست و رفت.

زندگی صحنه ی یکتای هنرمندی ماست. هر کسی نغمه ی خود خواند و از صحنه رود صحنه پیوسته به جاست.

خرم آن نغمه که در خاطره ها می ماند.

یاد مینا همیشه گرامی باد ■

۸ ژانویه مرگ پروانه ای را گواه بودم.  
قبل از پر کشیدن جانش سخت می لرزید.  
نمی دانم از ترس جان دادن بود یا از فراغ شمع.  
برای شنیدن او گوشم را به بال هایش نزدیک کردم  
و پرسیدم از چه لرزانی؟ چه می خواهی؟  
با ته مانده ی جانش در گوشم نجوا کرد، پرواز!  
شاپرک اندکی بعد آرام شد هیچ نمی لرزید؛  
ولی دیگر پرواز هم نکرد.  
مرگ شاپرک یادم آورد روزهای بهار زمستانی را.

ضمن عرض سلام و خوش آمد خدمت تک تک شما عزیزان که از راه دور و نزدیک این جا جمع شده اید که یاد مینا را گرامی بدارید. یاد زن و رفیق و خواهر و دختر مبارزی که هر کدام از ماها در هر عرصه ای از زندگی مان از او خاطره داریم و یا از شعرها، گزارش ها و متن های او و یا حتی در وصف او خاطره ای زیبا در ذهن مان نقاشی شده است. بی شک همه ی شما ها که در این جا جمع شده اید مینا را از دور و نزدیک می شناسید. من هم که خواهر او هستم تصور می کردم که او را به خوبی می شناسم. مادرم، برادرهایم و پسرش هر کدام در شکل خودشان بر این باور بودند که مینا را به خوبی می شناسند.

تصویر همگی ما از مینا زاینده ی روزهایی بود که با هم و در کنار هم بازی می کردیم، درس می خواندیم و بچگی می کردیم. روزهای دوران بلوغمان، که زودتر بزرگ شدنمان را به رخ همدیگر می کشیدیم. روزهایی بود که انقلاب ۵۷ را شاهدش بودیم و به دنبال آن تغییر دادن فرهنگ خانواده از شکل سنتی اش به شکل مدرن و انقلابی اش، تغییری که حاصل تلاش و پیگیری و مصمم بودن خواهر و برادرهایم و صبر و بردباری پدر و مادرم بود. تصویر همگی ما از مینا روزهایی بود که تنگاتنگ با او زندگی کردیم و با شروع بحث های سیاسی گوش همدیگر را گر می کردیم. داستان ها و قصه های بچگانه ای که جای خود را به بحث های سیاسی و تبادل نظر عوض کردند. شناخت همگی ما از مینا روزهایی است که زندگی لوکس مشترکش را شروع کرد و حاصل آن پسرش داوود را شاهد بودیم که در دوران سخت جنگ ایران و عراق چشم به جهان گشود. شناخت همگی ما از مینا

## پیام آذر درخشان در مراسم یاد بود رفیق مینا

### با درود به همه شما

از اینکه در این لحظات سخت در کنار هم هستیم بسیار خوشحالم. تنها با همبستگی رفیقانه و در کنار هم بودن است که می توان چنین غم های بزرگی را تحمل کرد. غم مرگ یاران، مثل کوه سنگین است.

من از طرف حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) فقدان مینا را به همگی حضار و خانواده مینا بویژه مادر مینا، برادرانش، میترای عزیز و فرزند دلبدش داوود تسلیت می گویم.

فرصت کوتاه است در نتیجه نمی توانم شما را بطور همه جانبه با زندگی پر بار این رفیق ارزنده آشنا کنم. فقط به چند برش کوتاه از زندگی اش اشاره می کنم. تا شما را با افق، اهداف و روش زندگیش آشنا کنم.

**مینا متعلق به همه ما بود. متعلق به اردوی کار، زحمت و آگاهی. بسیاری از رفقای حزب ما از او خاطره های فراموش ناشدنی دارند. من نمی توانم فقط از خاطره های خودم با او صحبت کنم. بهتر این دیدم که شخصیت او را از لابلای گفته های خودش، یادها و خاطرات متنوع یارانش بازگو کنم.**

از مینایی بگویم که توانایی اش در ارتباط گیری با مردم زبانزد بود. سریع با آنان دوست می شد. تابوشکن و سنت شکن بود و در ارتباط با زنان مسائلی را به زبان میآورد که هرکسی

به راحتی به زبان نمی آورد. ذهنی باز داشت، همواره آماده جذب ایده های نو و رفتارهای نو. از مینایی که در دوره جوانی پس از سال ۵۷ در محلات فقیر نشین شیراز بین زنان کلاس های سوادآموزی داشت و از همان ابتدا توجهش به ستم هایی که بر

زنان می شود، جلب شد و آموخت که به شکل های مختلف این ستم را تشخیص داده و بیان کند.

از مینایی که در اواخر حکومت شاه، با علم کمونیسم آشنا شد. بر پایه آموزه این علم تواما تکرار می کرد که

«... مردم فقیر و زحمتکش و کارگر بیشترین ظرفیت را برای انقلاب کردن دارند. بنابراین باید به این مردم و آگاه کردن شان توجه کرد...» جهت گیری توده های محروم و زحمتکش را داشتن و درک اینکه انقلاب کمونیستی بر دوش این توده ها استوار خواهد بود را مینا بی هیچ تردیدی تا آخر عمر حفظ کرد.

سال ۶۰ فرا رسید. سال ارتجاع و کودتا، سال مقاومت و مبارزه ی تمام عیار و از جان مایه گرفته. اتحادیه ی کمونیست ها، طرح مبارزه ی مسلحانه را جلو گذاشته بود. درون سازمان اختلاف نظر بود. مینا با همان حس و شور شناخته شده اش گفت:

«... معلومه که آخوندها را باید با مبارزه ی مسلحانه سرنگون کرد... بزنی بریم جلو...» در شیراز ضمن تبلیغ برای حرکت انقلابی سربداران، کمک مالی جمع آوری می کرد. مخفیانه اعلامیه ها و بیانیه های سربداران را در سطح شهر پخش می کرد.

**قیام سربداران در پنج بهمن سال ۶۰ با شکست روبرو شد. موجی از نومیدی و یاس در راه بود. طبق معمول که پس از هر شکستی عده ای نوحه خوانی می کنند و می خواهند دل مردم را خالی کرده و انفعال را عین "عقل" جا بزنند، درون ما نیز چنین گرایشاتی پیدا شده بود. در این وضعیت، وقتی از شکست و از دست**

دادن یاران مان در صحنه نبرد با خبر شد و واکنش های مختلف نسبت به آن را شنید. نخست رنگ از رخسارش پرید و اشکهای غم و خشم از صورتش سرازیر شد. دست آخر خود را جمع کرد و نفسی کشید و گفت: «... ول کنید این حرفارو... اما بار بعد باید دقت بیشتری کنیم... بزنی بریم جلو...».

اعلامیه های بعد از ۵ بهمن آمل را باز تکثیر کرد و با کمک رفقای دیگر در بین جنگ زده های اسکان داده شده در شیراز و در کارخانه ها پخش می کرد. هم زمان مثل همه ما سعی می کرد با جمع بندی هایی اولیه علل شکست را دریابد.

زمانی که سالها بعد یاران خود را باز یافت اولین حرفش این بود:

«... اگر وسط راه مانده بودید، اگر رفیق نیمه راه شده بودید، به ملاقات تان نمی آمدم...». جا زدن و وسط راه ماندن را دوست نمی داشت.

مینا تعصب حزبی نداشت. اما می دانست که باید سازمان یافته فعالیت کند و می دانست که بدون داشتن یاران هم فکر قادر نخواهد بود به تنهایی به آرزوهایش دست یابد. هم اهمیت آگاهی را درک می کرد و هم اهمیت تشکل را. مشغله اش فعالیت در ارتباط با جریانی بود که بقول خودش بصورت تعقلی و ریشه ای سرچشمه انواع ستم را دریافته و برایش راه چاره دارد. از ایندوره به بعد مینا، به يك فعال تمام وقت اتحادیه ی کمونیست ها و به ویژه در جبهه مبارزه علیه ستم بر زن تبدیل شد. هر جا می رفت در مورد ستم بر زن، شکل های مختلف این ستم، ضرورت مبارزه و گسست از پیوند هایی که

تولید کننده ی این ستم است حرف میزد و زنان را به مبارزه و بپا خاستن تشویق می کرد.

رک و صریح بود و "خرده و برده ای" با کسی نداشت. ("رک و صریح"، "بی خرده و برده": اینها از کلمات مورد علاقه ی مینا بود). اگر چیزی را قبول نداشت برایش مبارزه میکرد. تا قانع نمی شد مبارزه را ادامه می داد. جسارت طرح مخالفت را نزد هر کس داشت. در کنار همه ی خصوصیات کمونیستی مینا، "آگاهانه" انتخاب کردنش، بسیار آموزنده است. او تصمیمات مهمی که سرنوشت هر مبارزه ای را رقم میزنند، آگاهانه و بدون از تعصب و رفیق بازی اتخاذ می کرد. او در زمره کمونیست هایی بود که در کوره داغ مبارزه طبقاتی آبدیده شد و در افت و خیزها و تند پیچ های تاریخی انتخاب های درست کرد.

در دوره ی تصمیم گیری بر سر چگونگی ادامه انقلاب، آگاهانه مبارزه مسلحانه سرداران را انتخاب کرد و برایش زحمت کشید. ستم بر زن و ضرورت مبارزه علیه این ستم گری را بعنوان گامی مهم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پای گذاردن در مسیر ساختن جامعه ای که دیگر در آن هیچ ستم و استثماري نباشد را عمیقاً درک کرد و تمام سالهای اخیر را در این مسیر مبارزه کرد.

انترناسیونالیسم او آگاهانه بود و عمیق. مرزهای ملی را به هیچ می گرفت. و در حین تلاش خستگی ناپذیر برای کمک به سازمان یابی زنان مبارز افغانی، رشته های پیوند عمیقی با مبارزین افغانستانی برقرار کرد.

بکار بست مشی توده ای اش همراه با این دریافت انقلابی بود که بدون توده های آگاه شده انقلابی در کار نخواهد بود. وقتی بلوک به اصطلاح

سوسیالیستی شرق فرو پاشید و بورژوازی، هار و تهاجمی در شیپور "کمونیسم مرد" می دمید، آگاهانه سمت خودش را روشن کرد و خللی در تفکرش نسبت به ضروری بودن کمونیسم وارد نیامد. زمانی که سوالات بسیاری در جمع بندی از علل شکست کشورهای سوسیالیستی و ضرورت تر و تازه کردن فکر و نگاه کمونیستی طرح شد، آگاهانه وارد این چالش شد.

اینکه توانست این گونه زندگی و عمل کند ربط داشت به اینکه ضرورت و نیاز به انقلاب را درک کرده بود. ضرورت رهایی و رها شدن را درک کرده بود. اینرا درون شعرهایش هم می توان دید.

اکنون که او در میان ما نیست، زندگی پر بار و معنا دارش این مسئولیت را در مقابل ما قرار می دهد که به نسل جدید بگوییم چگونه مینا، مینا شد. شناساندن این خصلت های انقلابی و آرمان خواهی از طریق مینا به نسل جوان و تبدیل این خصوصیات و توانایی به آگاهی نسل جدید بر دوش ماست. این گونه است که می توانیم ضایعه فقدان او را تا حدی جبران کنیم. مینا از زندگی لذت می برد. می خواست بماند و هر چه را می داند در راه انقلاب بگذارد. اما بیماری مهلت نداد و از میان ما رفت. و رفتنش آتش به جان ما افکند. با این حال یادش شور به دل راه می دهد و پیام "ادامه ی راه" یا به زبان ساده و روشن مینا ... بزین بریم جلو...» را بگوش می رساند... مینا را بپاد می آوریم در تفسیرهایش مینا را بپاد می آوریم در تفسیرهایش از اشعار؛ در تفسیرش از این شعرشاملو که می گفت:

«چراغی در دست

چراغی در دلم

زنگار روحم را صیقل می دهم

آینه ای در برابر آینه ات می گذارم  
تا از تو....

ابدیتی بسازم»

شعر را تفسیر می کردیم و تفسیرهای دیگران را می خواندیم که منظور شاملو از این شعر "بی نهایت" است، "بی نهایت" کردن بهترین ها. تکرار و تکثیر انسان آزاده و رها از هر ستمی. با احترام و درک آنچه با هم تفسیر کردیم، باید بگوییم این بار قرعه به نام تو افتاده است. تکرار و تکثیر تو، بی نهایت کردن تو.... رفیق مینا اکنون به رود جاری نگاه می کنم که تو رفیق عزیزم چه شادمانه و شاعرانه آنرا دوست می داشتی.

به پرندگان نگاه می کنم که تو رفیق فراموش ناشدنی ام داستان ها از پرواز داشتی و چه شاعرانه می سرودی.

جنگل را بخاطر می آورم و دشت وسیع لاله ها و پرسیه زدن های تو را در دشت.... عطر خوش بهارنارنج در مشام می پیچد که هنگام بهار مشمت تحفه می آوردی...

تو خود همه ی اینها بودی.

تجربه های پر از شور و زندگی ات را بخاطر می آورم. زندگی، تلاش، مبارزه ی تا به آخرت را حس می کنیم و حظ می کنیم و افتخار می کنیم.

یاد دادی که: «بزین برو جلو ... تا آخرش برو....»

"قدم در مسیر رودخانه ی بی بازگشت بگذار" (استعاره ی مورد علاقه ی مینا).....

این کار را انجام می دهیم رفیق مینا....

این کار را انجام می دهیم رفیق مینا همراه با قهقهه ی پر نشاط ات که در گوش مان می پیچد. ■

## گزیده ای از نامه های مینا

در مورد بیماری و ناراحتی خودم، چیزی که همیشه شعار من بوده این است که «تحمل در تو اگر هست، شکوه نکن!»  
رفته بودم بیمارستان، جواب آزمایش را گرفته بودم. دو زن که هر دو در آزمایشگاه کار می کردند با هم مشغول صحبت بودند. آن ها غرق بحث بودند و من هم منتظر تمام شدن بحث آن ها. به بحث هایشان که گوش دادم دیگر مایل نبودم زود بروم. موضوع بحث این بود: مسأله احساس مادری زنان. یکی از زن ها می گفت: «زن بدون این که مادر بشود زن نمی شود و احساس مادری با زن بودن گره خورده است. زن با مادر شدن است که احساسش غنی می شود و تکامل می یابد. زنی که مادر نیست همیشه احساس خلا می کند. فکر می کند که چیزی کم دارد، از لحاظ احساسات کمبود دارد.»  
این حرف ها برایم تازه گی نداشت. به یاد شعر «به نام بهاران» که برای پسر من سروده بودم افتادم.  
«گل، گلبرگم، گل بهارم، فکر می کردم همیشه می توانم تو را با خود داشته باشم، و سراسر فصول زندگیم را بهار کنم، اما می دانم، می دانم با یک گل نمی توان بهار را با خود داشت.»  
پسر من نمی توانست برای من، بهار بیاورد؛ و من نمی توانستم تمام زندگیم را فقط در او خلاصه کنم. او گل من بود ولی بهار من نبود.

دیالوگ بین آن دو زن کاملاً آشنا بود. وارد بحث با آن ها شدم. گویی همه چیز به من فشار آورده بود و تمامی پاسخ ها درونم می جوشید. همه چیز برایم روشن و قابل درک بود. حس اش کرده بودم. تمامی واژه ها به صف ایستاده بودند. حرف زدم، بلند بلند. دست تکان دادم و نقش فرهنگ، رسانه ها، خانواده، فرهنگ مردانه، فرهنگ عقب مانده ی موجود در میان خود زن ها را توضیح دادم. خلاصه کل نظام مردسالار و دولت حافظ آن را زیر سؤال بردم. یکی از آن ها که فکر می کرد من بچه ندارم ضمن تأیید حرفهایم گفت «حالا می گویند تو که بچه نداری عقده ای هستی که این حرف ها را می زنی و این احساس را نقد می کنی.» گفتم مهم نیست که بگویند عقده ای هستم، زیاد شنیدم. مهم این است که حقیقتی در حرف های من نهفته است. درست همان چیزی که می خواهند پنهان بماند و ماست مالی شود. داشتن بچه یک احساس زیباست. نفی نمی کنم. ولی شکل دهنده و تکامل دهنده ی شخصیت من به عنوان یک زن درون جامعه و خانواده نیست و نباید باشد. من خودم را صرفاً با این احساس تعریف نمی کنم. حتی این احساس زیبا و غنی نیز می تواند باز دارنده ی رشد شخصیت من باشد. مرا به زنجیر بکشد. این احساس در صورتی غنی و زیباست که رهایی بخش باشد نه اسارت بخش. ■

## از سروده های مینا

فریاد در گلو حبس کردن  
اسارت است

اسارت

بردگی ست

و بردگی

سکون.

زندگی حرکت است

و حرکت

زندگی

این است همیشگی!

"سکون"

مفهومی ندارد

لحظه ای بیش نیست.

لب بگشا... لب بگشا و سخنی بگو!

آه نه!...

فریاد!

لب بگشا و سخنی بگو

از دگرگونی ها و خیزش ها...

از تولدی دیگر

از زندگی...

ما قایقرانانیم در مسیر پر تلاطم خیزشها ...

در طوفان هاست که ساخته می شویم و

شکل می گیریم.

ما نوید می دهیم

چگونگی فردا را...

با آه نه....

با فریاد.

\*\*\*\*\*

با گودی دستان کوچکم

چگونه آب دریا را خالی کنم؟

قایقی می خواهم!

با دو پارو

آسمانی بی ابر

قلبی بدون کین

و ساحلی از یقین!

## پیام های رسیده به مناسبت درگذشت رفیق مینا حق شناس

### مری لو گرین برگ از آمریکا

#### رفقا و دوستان عزیز

من همدردی خودم را در غم از دست دادن رفیق مینا ابراز می کنم و به شما که امروز زندگیش را جشن می گیرید می پیوندم. در سال ۱۹۹۸ با کمک مینا سازمان زنان هشت مارس ایران افغانستان تشکیل شد و من این خوشبختی را داشتم که با بسیاری از فعالین زنان هشت مارس در سال ۲۰۰۶ در تظاهراتی که در اروپا بر علیه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی برگزار شده بود، به عنوان نماینده ی حزب کمونیست انقلابی آمریکا، آشنا شوم. من امروز با غم شما شریکم. در عین این که می دانم روحیه و خواست مینا برای رهایی کامل زنان و انسان ها زنده است و به وسیله دیگران ادامه خواهد یافت.

در دوره ای که تعداد کمی این جرئت را دارند که بر علیه دولت و ستم مبارزه کنند مینا و دیگر زنان و مردان از ایران و افغانستان که از او و سازمان زنان هشت مارس الهام گرفته اند، نمونه ارزنده ای است برای آنانی که بخاطر تغییرات رادیکال و دنیایی به مراتب بهتر در سطح جهانی مبارزه می کنند. بیایید که همه برای زندگی که می تواند در حال این دنیا موثر باشد مبارزه کنیم، زندگی که عصر نوینی را ببار آورد که در آن بشریت و کل کره زمین به معنای واقعی شکوفا شود، عصری بدون پدرسالاری، بدون وحشت های ناشی از سرمایه داری امپریالیستی، بدون ستم و استثمار در هر شکلش. از این طریق است که ما یاد مینا را گرامی خواهیم داشت. با درودهای گرم

۱۹ ژانویه ۲۰۱۱

### الیف از ترکیه

#### به خانواده، دوستان و رفقای مینا

من یکی از رفقای ترک مینا هستم که در آلمان زندگی می کنم. متأسفانه خبر مرگ مینا خیلی به من دیر رسید، بنابراین برای من امکان نداشت که در خاکسپاری و یادبود او امروز شرکت کنم. فکر من با شماست و در غم شما شریکم.

من با مینا از سال ۱۹۹۴ که به فرانکفورت رفتم، آشنا شدم. آن زمان من از نظر سیاسی دل سرد شده بودم. این او بود که اراده برای مبارزه انقلابی را از طریق عزم و اعتماد به نفسش و دید روشن از جامعه کمونیستی را به من باز گرداند. نوع برخورد مینا در اطرافیان تاثیر زیادی داشت. او می توانست اعتماد به نفس را بالا ببرد. او مرا در مورد لزوم جنبش انقلابی زنان متقاعد کرد و باعث شد که من به فعالیت های سازمان زنان هشت مارس بپیوندم. اغلب او بود که مرا تشویق می کرد که یک قدم فرا تر بنهم. مثلاً او مرا متقاعد که اولین سخنرانیم را بنویسم و در یک تظاهرات آنرا ارائه دهم.

مینا همیشه مهربان و پر از سرزندگی بود. او اغلب به دیدار من به خانه ام می آمد و با بسیاری از دوستان من که دارای افکار انقلابی نبودند و یا هیچ فعالیت سیاسی نداشتند، آشنا شد. علیرغم تسلط محدود به زبان آلمانی، مینا با آنان به آسانی تماس برقرار می کرد و با شوخی و خنده جو دوستانه ای را بوجود می آورد. او حتی موفق میشد علاقه آنها را به موضوعات اجتماعی برانگیزاند و مسائل سیاسی را با آنها به بحث بگذارد. بعداً که من با دوستانم صحبت می کردم سراغ او را می گرفتند و حالش را می پرسیدند.

برای اینکه همبستگی عمیق مینا با مبارزات در کشورهای دیگر و به روحیه انترناسیونالیستی اش اشاره کنم، می خواهم این واقعه را برایتان بگویم.

در زمان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ترکیه، سازمانهای انقلابی یک چادر بزرگ در مرکز فرانکفورت برپا کرده بودند. بسیاری از فعالین سیاسی آنجا گرد آمده بودند تا همبستگی خود را با مبارزات زندانیان نشان دهند.

روزی که دولت ارتجاعی ترکیه به زندانیان حمله کرد و سلول زندانیان سیاسی را آتش زد، من مانند صد ها نفر دیگر با عجله به طرف این چادر رفتم. کمی دیرتر مینا نیز رسید، مرا بغل کرد و شروع به گریستن کرد. بسیاری از مردمی که در آن جا بودند، دور ما جمع شدند و می پرسیدند که آیا او یکی از خویشاوندانش را در این کشتار از دست داده است؟ بعد از اینکه من این سؤال را برای مینا ترجمه کردم او جواب داد که:

اشک های ما بخاطر شجاعت رفقایمان که در مقابل این حمله وحشیانه ارتش ترکیه مقاومت کردند و هم چنین به خاطر رفقای که در این مبارزه جان باختند جاری است. برخورد انترناسیونالیستی مینا و روحیه انقلابیش همیشه نمونه راهنمایی برای من بوده و خواهد بود. ۲۱/۰۱/۲۰۱۱

## " دسته هشت مارچ زنان افغانستان "

اعلام همبستگی با سازمان زنان هشت مارچ ( ایران - افغانستان )



زنان هشت مارچ ( ایران - افغانستان ) ، جنبش انقلابی زنان در سطح جهان و تمام اعضای خانواده اش تسلیت گفته و با سازمان زنان هشت مارچ ( ایران - افغانستان ) اعلام همبستگی مینمایند.

باشد تا با زنده نگه داشتن یاد و خاطره رفیق نسرین، بتوانیم غم و اندوه ناشی از درگذشت این رفیق را به نیروی مبارزاتی در راه برانداختن نظام حاکم ، بدل نماییم.

۲۳ جدی ۱۳۸۹ ( ۱۳ جنوری ۲۰۱۱ ) ■

رفیق نسرین ، یک تن از بنیانگذاران سازمان زنان هشت مارچ (ایران- افغانستان) به تاریخ ۱۸ جدی ۱۳۸۹ مصادف با هشتم جنوری ۲۰۱۱ چشم از جهان پوشید. یادش گرامی و راهش پر روهر و باد!

درگذشت رفیق نسرین ، نه تنها ضایعه ای برای جنبش زنان ایران و افغانستان بلکه ضایعه ای برای کل جنبش انقلابی در سطح جهان به شمار میرود. نقش رفیق نسرین در شرایط فعلی که از یکطرف دولت مرتجع ایران از هر طرف بر توده های ایرانی و مهاجرین افغانستانی مقیم ایران بیرحمانه حمله ور میشود و شرایط خفقان آوری را بر مردمان آن کشور تحمیل میکند و از طرف دیگر افت جنبش انقلابی در ایران یاس ها و سرخوردگی هایی را میان مردم دامن زده است ، بسیار جدی و حساس بود.

رفیق نسرین با آنکه از مریضی سرطان رنج میبرد اما این مریضی نتوانست مانع از فعالیت های انقلابی اش شود. او بیدریغ برای نجات توده های ستمدیده سراسر جهان و آنده از زنانی که از بی عدالتی و ستم جنسیتی رنج میبردند مبارزه میکرد. او حتی از تهدید مردانی که گاه و بیگاه با آن روبرو می شد خم به ابرو نمی آورد و در مقابل ظلم ظالمین بی مهابا ایستادگی مینمود. او به زنان می آموخت که ستم چیست؟ چگونه باید با ستم مبارزه نمایند؟ راه بیرون رفت از معضلات اجتماعی در چیست؟ و چرا نباید به روابط ستمگرانه طبقاتی ، جنسیتی و ستم تحمیلی تن دهند. وی محبوب زنان و مردانی بود که او را می شناختند و حرف های او را شنیده بودند. وی محبوب زنان و مردانی بود که او را می شناختند و حرف های او را شنیده بودند. وی محبوب زنان و مردانی بود که نوشته هایش را مطالعه کرده بودند.

حرف و عمل رفیق نسرین در واقع طوری بود که از یک سوی آموزگاری دلسوز و مهربان بود و از سوی دیگر از دیگران می آموخت و دایما توصیه میکرد که باید بیاموزیم و بیاموزانیم.

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان " در مسیر حرکت مبارزاتی اش که همانا برپائی و پیشبرد مقاومت ملی ، مردمی انقلابی علیه اشغالگران امپریالیستی و خائنین ملی دست

نشانده اش در افغانستان است ، یاد این رفیق رزمنده را گرامی میدارد و درگذشت رفیق نسرین را به تمامی فعالین سازمان

### پیام همدردی زنانی دیگر

خبر درگذشت زن مبارز و کمونیست مینا حق شناس ما را سخت اندوهگین کرد. ما او را ندیده بودیم اما آرمان و آرزوهای او که رهایی کامل همه ی مردم از رنج جامعه طبقاتی بود را می شناسیم که همانا آرمان و آرزوی ماست. وجود زنان آگاه و سازش ناپذیری چون مینا، نعمتی برای جنبش انقلابی زنان در ایران و جهان است و فقدان شان ضایعه ای بزرگ. تلاش و مبارزه مینا برای آگاه کردن زنان افغانی که جزو محروم ترین محرومان هستند برای ما بسیار آموزنده و الهام بخش است. بی تردید یاد و خاطره ی مینای عزیز در مبارزه ی ما جهت سرنگونی نظام ضد زن جمهوری اسلامی و واژگونی کلیت نظام مردسالارانه ی سرمایه داری برای همیشه ماندگار خواهد بود.

از دست رفتن مینا را به خانواده، دوستان و یارانش و همه ی زنان و مردان انقلابی و به توده های ستمدیده ای که مینا آموزگار و شاگرد آنان بود تسلیت می گوئیم و غم از دست رفتن او را به انرژی بیشتری برای مبارزه تبدیل خواهیم کرد.

۲۸ دی ماه ۱۳۸۹

## پیام عده ای

## از دختران دانشجو از ایران

رفیق مینا حق شناس عزیز در گذشت. ندیده بودیمش. اما عکس هایش را که دیدیم گویا سالهاست که او را می شناسیم. چهره مهربانش در عکسها گویای خیلی چیزها است. این روزها اشک امان مان نمی دهد. این روزها تنها می خواهیم بدانیم وقتی همسن و سال ما بود چه می کرد وزندگی سراسر مبارزه اش چگونه بود؟

ای دریغ.... چقدر زود رفت و تنهائمان گذاشت. چقدر فاصله داریم تا مانند او شدن. از مینای همسال ما. چگونه فریاد زنی نبودنش را. جای خالیش را با چه پر کنیم. رفقایش همه بی تابند. همه مرور می کنند خاطرات با او بودن را در صحنه زندگی که سراسر مبارزه بود و تلاش در راه رسیدن به اهداف بزرگ. او نیست اما یادش و نامش و خدماتش به جنبش کمونیستی انقلابی همه جا هست. در بین زنان و جوانان و توده هایی که زندگی را با آنها می گذرانند. چیزی که این روزها به آن مدام فکر می کنیم این است که چقدر سخت است جایگزین او را جستن و پیدا کردن. چقدر مسئولیت مان فزون تر از قبل شده است.

رفتنش باعث شد بیشتر از قبل بدانیم زمان اندک است و ما باید زود رشد کنیم. دلمان می خواهد زندگیش را که از سنین نوجوانی سراسر مبارزه بوده است برای همگان فریاد زنی تا نسل ما بداند که ما خیلی چیزها را باید از یک نسل و یا دو نسل گذشته یاد بگیریم. همه ما باید بدانیم که بسیار وامدار گذشته هستیم و الگوهایمان را باید در مینا و امثال او جستجو کنیم. جنبش کمونیستی و جنبش زنان ایران و دنیا یکی از استوارترین همراهانش را از دست داد.

او یک انترناسیونالیست واقعی بود. اما اشک های مان را پاک می کنیم و بر می خیزیم. از همین امروز که همه جمع اند تا یادش را گرامی بدارند. او، همیشه و بیشتر از قبل در یاد همگان خواهد بود. شعله های آتش وجودش که از اعتقاد راسخش به رهایی و آزادی نشأت می گیرد گرما بخش محفل همه زنان مبارز و آزادیخواه خواهد بود. برمی خیزیم تا از همین حالا یاد بگیریم که مانند او باشیم. قوی، سخت کوش، و با صلابت. پرچم انقلابی او همیشه افراشته خواهد بود و ما باید ادامه دهندگان آرمانها و اهداف انقلابی او باشیم. بر می خیزیم انجام می داد. زیرا زندگی جاریست و مبارزه ادامه

## انجمن حق زنان - ماریا رشیدی

## مینا حق شناس از میان ما رفت!

مینا زنی مبارز از تبار آزاد زنانی که همه عمر را به مبارزه با نابرابری و ستم جنسی و اجتماعی می گذرانند، با زندگی بهتر برای همه ستمدیدگان به ویژه زنان پا بر جا مانده است!

او همه عمر خود به درود گفت.

مینا رفت اما امید او به برپائی فردائی را جهت بر آورده کردن آرزوهای دیگران صرف کرد.

مینا همزمان که از فعالین جنبش زنان «کمیته زنان هشت مارس» بوده خود یکی از بنیانگذاران سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) هم بود

مینا زنی خستگی ناپذیر بود او نه تنها در برابر ترقندهای زنان حکومتی (اصلاح طلبان) بسیار زیرک و هوشیارانه عمل می کرد بلکه در برابر نقش مخرب بخشی از این به اصطلاح مخالفان دروغین رژیم که از مسیر مردم زحمتکش خارج شدند و همه چیز خود را برای صاحبان قدرت به طرح گذاشتند تا اصل مبارزه را لوٹ کنند ، صریح و بدرستی موضوع گیری می کرد و ماهیت آنها را نشان می داد!

یادش گرامی باد! ۱۲ ژانویه ۲۰۱۱ ■

دارد.

همانطور که او در پیچ و خم های پر تلاطم زندگی و مبارزه ایستاد و جنگید و خروشید. زندگی مینا معنای واقعی شعر هستی بود. او به خوبی "شعر هستی بودن و کوشیدن، رفتن و پیوستن، جان فدا کردن در راه خلق است" را جان بخشید. مینا به عنوان یک کمونیست و فعال جنبش رهایی زن برای تمام زنانی که ترکه ستمگری و مرد سالاری زندگیشان را سیاه کرده ، رهایی را به خوبی معنا کرد. زندگی ، تلاشها و مبارزات او در جنبش زنان برای همیشه چراغی روشن و راهگشا و آگاهی بخش و پر امید برای تمام زنانی خواهد بود که از حصارهای تنگ مرد سالاری به ستوه آمده اند.

همه باید برخیزیم و ادامه دهندگان شایسته راهی باشیم که مینا در آن قدم نهاده بود و تا آخر عمر مصمم و پر امید آن را ادامه دهیم. یادش گرامی ■

## جنبش زنان تحت ستم افغانستان

به سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

خودش را از دست داد. فقدان او بدون شک تأثیرات خودش را بر روند مبارزه فعلی بر علیه امپریالیسم و ارتجاع خواهد گذاشت. نبود مینا در میدان مبارزه ضایعه ای جبران ناپذیر خواهد بود. دلاور زنانی چون مینا حاصل چند دهه پیکار بی امان هستند، اینها را تا زمانیکه زنده اند باید که از بزرگترین سرمایه های انقلاب بر شمرد و بعد از مرگ بعنوان سمبل مبارزه و مقاومت برای همیشه گرامی داشت.

جنبش زنان تحت ستم افغانستان ضمن ابراز تأسف، صمیمانه به تمام رزمندگان راه آزادی خصوصاً جنبش انقلابی زنان، ایران، دوستان، آشنایان و به خانواده مینا حق شناس تسلیت می گوید.

یاد و خاطره اش گرامی باد!

با آرزوی آزادی و برابری ۲۰۱۱ - ۰۱ - ۱۳ ■

با سلام به شما و تمام رزمندگان راه آزادی با تأسف و تألم دیروز ۱۲ جنوری ۲۰۱۱ دریافتیم که شیر زن مبارز، دلاور رزمنده، مینا حق شناس فعال حقوق زنان و از بنیانگذاران سازمان هشت مارس پس از چهار سال جدال سخت با بیماری سرطان سرانجام در سحرگاه ۸ جنوری ۲۰۱۱ در کشور سوئد درگذشت.

مینا حق شناس دلاور زنی بود که در راه مبارزه با فرهنگ ارتجاعی مردسالار حاکم، زندگی خویش را به خاطر نجات و رهایی زنان تحت ستم ایران - افغانستان و سراسر جهان گذاشت. با رفتن مینا جنبش انقلابی نوین یکی از مشعلداران

### شادی امین

از طرف شبکه همکاری زنان ایرانی (شبکه)

دوستان عزیز

خبر متاثر کننده مرگ نسرین گرامی را امروز دریافت کردیم. نسرین را از سال ۹۵ شاید هم زودتر در فرانکفورت می شناختم و با او تا سال ۹۹ که در این شهر بودم تماس داشتم. متأسفم که پس از سالها بی خبری امروز خبر مرگ او را می شنوم. در گذشت نسرین را به شما همراهان وی و خانواده اش تسلیت می گویم . با احترام

### سازمان آزادی زن

تسلیت به مناسبت در گذشت

مینا حق شناس از فعالین حقوق زن

مطلع شدیم که مینا حق شناس فعال حقوق زنان و از بنیان گذاران سازمان هشت مارس بعد از مدتی بیماری در تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۱۱ در گذشته است. سازمان آزادی ضمن ابراز تأسف، صمیمانه به خانواده و بستگان و رفقای مینا حق شناس تسلیت می گوید.

## "جمعی از اعضای جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان"

نسرین؛ رفیقی که از آغوش زمانه رفت، تا در بستر زمان جاودانه بماند!

مانوتسه دون می گوید:  
هرکسی می میرد، ولی همه مرگ ها یکسان نیستند؛ مرگ شرافتمندانه، مرگی که در راه بهترین ارزش ها و ایده آل های متعالی انسانی بوقوع بپیوندد، بسیار با عظمت، به عظمت کوه (تای) میباشد!  
رفیق نسرین ما هم تا آخرین رمق، در همین راه و با چنین ایده آل های

همیشه در عالمی از تألم، تأثر و اندوه بیکران فرو برد؛ یادش گرامی و خاطره اش جاودان باد!  
آری، غم و اندوه درگذشت نسرین، اینک بسان یک کوه بر فکر و روان و مشاعر همه آنانی که او را عزیز می داشتند، سنگینی می نماید؛ اما چه می توان کرد، این ناموس طبیعت است و قانونمندی های خودش را دارد.

در اولین ساعات روز شنبه هشتم جنوری ۲۰۱۱ است که مینا حق شناس آشنای عزیز دیرینه یا همان رفیق نسرین ما، پس از نبردی طولانی، نابرابر و جانکاه با بیماری سرطان، برای همیشه بدرود زندگی گفته و بدینسان، همه آنانی را که از دور و نزدیک بگونه ای با وی علایقی داشته و دارند، همچنان برای



انسانی و انقلابی زندگی و با همین ها نیز، ما را ترک کرد!

اگر فقدان رفیقی همچون نسرين که مقدر نیست جایش را به آسانی پر نمود، عامل و باعث درد، غم و افسردگی عمیق ماست، یادواره زندگانی پربار او هم بنوبه خودش، منبع قدرتمند الهام و مایه اعزاز و مباحث ما میباشد؛ با چشمداشت همین یادواره و آموزش از آنست که می بایست، درد، غم و اندوه ناشی از درگذشت رفیق بغایت عزیز خودمان را تبدیل به نیرو نموده و راه اش را، با پیگیری و استواری هرچه بیشتری ادامه دهیم.

نسرين رفیقی بود برازنده و سرشار از مجموعه ای از بهترین خصال و سجایای عالی انسانی و انقلابی:

دوست صمیمی و مهربان، رفیقی همرمز و وفاشعار، آزاده زنی با وقار، رزمنده و عصیانگر، پیکارگری انقلابی نستوه و یک کمونیست مومن، متعهد و ایثارگر.

همین باور و اعتقاد ما به ابعاد متعدد شخصیتی نسرين، محصول سال ها تجربه و شناخت مستقیم میباشد، که چه برپایه یک همسویی و علائق عام رفیقانه، و چه هم بر زمینه یک همگونی خاص در مبارزه مشترک انقلابی شکل گرفته و به قوام رسیده است.

آشنایی و علائق سیاسی رفیقانه ما با نسرين، از همان سال های ۹۰ سده گذشته آغاز میگردد؛ در حاشیه یک کنفرانس فراخوانده شده توسط "بنیاد پژوهش زنان ایران" در پاریس بود، که با نسرين از طریق دوست مشترکی که همچنان نسرين نامیده می شود، آشنا شده و این آشنایی در امتداد

زمان، به یک رفاقت سیاسی تعریف یافته تا مدارج عالی انقلابی انترناسیونالیستی ارتقا و تکامل نمود. دیدار های متواتر، شرکت در بسا مناسبات و کنفرانس ها، همراهی در مارش های اول مه انقلابی در برلین، همرمزی سازمانیافته برای ایجاد یک نهاد انقلابی انترناسیونالیستی بنام "کمیته تدارک ضد تهاجم امپریالیستی" و سرانجام "جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان"، آن گستره سیاسی مبارزاتی و محمل مادی پراتیک بود که بر متن آن، همرمزی انقلابی و شناخت عمیق رفیقانه بنیان یافته و نضج گرفت.

"نسرين" و "سیما" دو رفیق ارجمند از جمع همان چهار نفری بودند که بلافاصله پس از تجاوز نظامی افسارگسیخته امپریالیستی به افغانستان در هفت اکتبر ۲۰۰۱، به پای ارزیابی ضرورت ها و زمینه های سازماندهی یک واکنش فوری ضد تجاوز امپریالیستی نشسته و بدین مناسبت، فراخوانی را انتشار دادند؛ البته با بسیج بسیاری از افراد و تشکلات بر گرد همین فراخوان بود، که "کمیته تدارک ضد تهاجم امپریالیستی" تأسیس، و با سازمان دادن اولین تظاهرات خودش در شهر بن آلمان، رسماً تبارز علنی نمود. همین "کمیته" بود که متعاقباً به موازات سیر پرشتاب رویداد ها و تحولات افغانستان و جهان و در پاسخ عملی به ضرورت های مبارزه انقلابی مرتبط بدان، به "جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع افغانستان" تکامل یافت؛ از همان

آغاز و در سراسر همین پروسه، رفیق نسرين نقشی فعال، سازنده و درخور ستایشی داشته است. آنگاهی که عده

آری، نسرين رفیقی که از آغوش

زمانه رفت، تا در بستر زمان

جاودانه بماند!

همین امر است که نه فقط مایه

تسلی خاطر مان میباشد، بلکه

عزم و اراده ما برای تداوم یک

نبرد هدفمند و ناتمام را نیز نبردی

که نسرين در آن، نمادی از

رزمندگی، مقاومت و پایداری بود،

می تواند و باید تقویت نموده، و

خود منبع نیرو، انرژی و الهام

گردد!

ای، انشعاب در "جبهه ..." را بمثابة یک رویکردی حسابگرانه و سوال برانگیز تحمیل می نمودند، تلاش های رفیق نسرين هم که از آن بعنوان "ماموریت حزبی" افاده میکرد، نتوانست و نمی توانست دیگر مثر ثمری گردد؛ در این رابطه هم الزامی بود، تا بر واقعیت عینی و به اصول و موازین پذیرفته شده انقلابی تمسک جسته و بر آنها، البته با همان جدیت و قاطعیت ممیزه خود رفیق پافشاری کرد. از آن پس است که رفیق نسرين نیز، بدلیل مشغولیت های حزبی و سازمانی مختص خودش در این کشور و آنکشور، دیگر نمی تواند با سیر عملی پیشرفت امور مبارزاتی در "جبهه ..." همراهی نموده و بر کیف و کان آن وقوف حاصل نماید.

باری، روحیه انقلابی، صمیمیت، ازخودگذری، متانت و جدیت رفیق نسرين در مبارزه انقلابی در فراسوی یک چارچوبه مشخص ملی، برای ما همواره نمونه زنده و نمودی گویا از انترناسیونالیسم پرولتری بوده است.

## نسرین رفیقی بود برازنده و سرشار از مجموعه ای از بهترین خصال و سجایای عالی انسانی و انقلابی:

دوست صمیمی و مهربان، رفیقی  
همرزم و وفاشعار، آزاده زنی با  
وقار، رزمنده و عصیانگر،  
پیکارگری انقلابی نستوه و یک  
کمونیست مومن،  
متعهد و ایثارگر

تلفیق تئوری با پراتیک بمثابة یک وحدت دیالکتیک آن ایده و پرنسیپ اساسی کمونیستی، همواره به نحوی چشمگیر در اندیشه و عمل رزمنده رفیق نسرین عینیت مادی می یافت؛ او در واقع مظهر بارز و تجسم عملی و راستین همین آموزه بود. از همین جاست که نسرین، از شعار بازی های عناصر قافیه پرداز به اصطلاح "چپ"، کاملاً بیزار و تا جایی هم که ما از زبان خودش شنیده و اطلاع داریم، از مراد به آنها احتراز می جست؛ بطور مثال، او طرز نگرش و برخورد های مردسالارانه برخی از مدعیان "کمونیسم" در قبال زنان در روابط خانوادگی خودشان را، همانگونه به سخریه می گرفت، که در ضدیت با تمامی افکار و سنن ارتجاعی زن ستیز، بیرحمانه و بیدریغ مبارزه می نمود. او در عین اینکه دشمن سازش بود، اما واقع بینی، دوراندیشی و انعطاف پذیری انقلابی را در خودش پرورانیده و همواره هتروویج میکرد. اصل رهنما

و هدایتگر او در قلمرو عمومی مبارزه انقلابی، همانا پرنسیپ مبارزه وحدت بود. خلاصه که رفیق نسرین با هرگونه اجحاف، استبداد و استثمار، با هر آنچه رنگ تبعیض و تعلق قومی، نژادی و جنسیتی بخود می گرفت در یک کلام با هر آنچه خصلت ارتجاعی، ضد ترقی و ضد انقلابی داشت، شدیداً خصومت ورزیده، سرسختانه و به نحوی آشتی ناپذیر مبارزه می کرد. با همه اینها در واقع، پهنای وسیع دنیای کنونی با همان درک و استنباط روشنی که او از آن داشت، برای آدم هایی از قماش نسرین و نسرین تبار ها، خیلی تنگ بوده که به سختی می تواند آنها را در آغوش خودش مأوی دهد؛ اساساً برای تغییر بنیادین خصلت، ارزش ها، مناسبات و سرانجام، دگرگونی سیمای قبیح همین جهان شناخته شده و آنهم با یک چشم انداز و دورنمای روشن برای ایجاد یک جامعه انسانی کاملاً متفاوتی بود، که نسرین همواره، همه جا و در هر موقعیتی، با استقامت و پایداری مبارزه کرده و یگانه سلاح و ابزار مبارزاتی او هم جهت تحقق همین مأمول، همانا انقلاب و مبارزه انقلابی بود؛ او فرزند فرهیخته و برومند انقلاب بود که تا به آخر انقلابی زیسته و با همین خصوصیت هم، یعنی انقلابی از این جهان رفت. نسرین از نزد ما رفت، ولی در ما در فکر و اندیشه، درخاطره، در راه و رزم و آرمان های زنده و به تحقق نارسیده ما، برای همیشه باقی مانده و خواهد ماند! آری، نسرین رفیقی که از آغوش زمانه رفت، تا در بستر

زمان جاودانه بماند!  
همین امر است که نه فقط مایه تسلی خاطر مان میباشد، بلکه عزم و اراده ما برای تداوم یک نبرد هدفمند و ناتمام را نیز نبردی که نسرین در آن، نمادی از رزمندگی، مقاومت و پایداری بود، می تواند و باید تقویت نموده، و خود منبع نیرو، انرژی و الهام گردد!

اینکه بنابر معاذیری مقدور نگردید تا در مراسم خاکسپاری و یادبود رفیق فقیدمان در ۲۱ جنوری جاری عملاً حضور داشته باشیم، خیلی ها متأسف هستیم؛ ولی تردیدی وجود ندارد تا در طی همین مراسم هم، رفیق عزیز خویش را تا آنجاییکه میشود و باید، از دور با فکر و جملگی حواس خودمان همراهی کنیم.

ناگفته پیداست که ما بگونه تمامی رفقا، از درگذشت عزیز گرانمایه و فراموش ناشدنی خویش رفیق نسرین، عمیقاً متألم و متأثر بوده و در این غم و اندوه، در هر مفهومی خودمان را همدرد و غم شریک میدانیم.

با عرض مراتب تسلیت به اعضای خانواده، نزدیکان و تمامی نزدیکان و تمامی یاران همرزم و هم پیمان رفیق مینا حق شناس!

**اگر خلق های ستمدیده و زحمتکش ایران، افغانستان و جهان، یکی از عزیز ترین فرزندان وفاشعار خودشان را برای همیشه از دست داده اند، ولی راه و رزم او ادامه داشته و آرمان ولای انسانی و انقلابی اش، زنده و پایدار است که سرانجام به تحقق خواهد رسید!**

یادش گرامی و خاطره اش جاودان  
چهارشنبه ۱۹ جنوری ۲۰۱۱ ■

## به حزب کمونیست ایران

### (مارکسیست - لنینیست - مائونیست)

صدیقه محمدی از طرف حزب کمونیست ایران

رفقای عزیز!

خبر جانکاه بود، باورمان نمی‌شد. رفیقمان مینا حق شناس هم از بین ما رفت. او از جنس ما بود. فراتر، پاره‌ای از ما بود و آن هم در زمانه‌ای که نابهنگامان تاریخ جیونانه تیغ بردست به شکار پرندگان آزادی، به اسارت تنومندان کار و زحمت در گشت و گزارند، و او که در این وانفسای داغ و درفش می‌خواند:

«می‌آیم»

با کوله‌باری از درد

با قلبی پر امید

مرا دریاب

ای دوست

ای همدرد!

می‌خواهم کوله‌بارم پر از شادی باشد

پر از نان

پر از دوستی

آزادی

پر از برابری

به وسعت

بی‌کران

به بزرگی حرمت زن

و به سنگینی مسئولیت انسان»

و اکنون که «کوله‌بارش» را وانهاده بود و به آغوش سرد خاک فرو می‌رفت.

می‌گویند و ما هم می‌گوئیم که این سلاله را پایانی نیست. از کموناردها آغاز کرده‌ایم و در این طی طریق، هم قلب طپنده‌ی تاریخ بوده‌ایم و هم شکست را تجربه کرده‌ایم. هم آن و هم این بخشی از تاریخ ما بوده‌اند و هنوز هم نبردیمان پایان نیافته است، هر چند که بسیاری از همسنگرانمان را از دست داده‌ایم. تکیه گاه ما اردوی کار و زحمت است. آنانی که زیر چرخ و دنده‌های این ماشین لعنتی له می‌شوند، با وجود این بر پرچم خود نوشته‌اند. «از هر کس به اندازه‌ی توانش و به هر کس به اندازه‌ی نیازش»

تکیه گاه ما زنانی هستند که فریاد می‌زنند «بدون رهایی زنان سوسیالیسمی در کار نیست»

تکیه گاه ما جوانانی هستند که شورشگرانه ندا می‌هند که: ما این مومیائیهای تاریخ را نمی‌خواهیم، که ما بخشی از اردوی کار و زحمتیم، که ما جهان دیگری می‌خواهیم.

تردیدی نباید داشت که جنبش کمونیستی و جنبش رادیکال زنان ما یکی از رزمندگان را از دست داد و آن هم در زمانه‌ای که شب قیرگون هنوز دیرپایی می‌کند و افق روشن صبح بی‌صبرانه انتظار میکشد. اگر فقدان او ما را به تکاپوی افزون‌تری جهت پاره کردن تمام زنجیرهای بردگی مدرن بکشاند، او را شادمان کرده‌ایم.

ما همگی رفقای حزب کمونیست ایران با شما و خانواده و بستگان رفیق مینا عمیقاً احساس همدردی می‌کنیم و خود را در غم و اندوه از دست دادن مینا شریک می‌دانیم.

یادش زنده و گرامی باد ■ ژانویه ۲۰۱۱

## افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

پورتل "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" ضمن آنکه مرگ غم انگیز زنده یاد "مینا حق شناس" را به اعضای خانواده، رفقای سیاسی و تمام رزمندگان راه رهایی زن از بندهای استعماری، ارتجاعی و فرهنگ منحط زن ستیزانه آن، تسلیت عرض می‌دارد، گذشته از امید، ایمان کامل دارد که راه "نسرین" ها هیچ گاهی بدون رهرو نمانده و این کهکشان پر نور تا رسیدن به جامعه فارغ از انواع ستم ادامه خواهد داشت.

با کمال محبت - اداره پورتل

## از طرف هواداران حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان در اروپا

به حزب کمونیست ایران (م ل م)!

مردم، زنده ام، زنده ی جاوید

خروشان در سپهر مهر چو خورشید

بیاد رفیق مینا «حق شناس»،

ستاره ای که نسلی درخشید

رفقای عزیز! خبر درگذشت رفیق

مینا «حق شناس» (نسرین) یکتن از

اعضای حزب کمونیست ایران

(مارکسیست - لنینیست - مائونیست)

و از فعالین جنبش انقلابی زنان و

سازمان زنان هشت مارس (ایران -

افغانستان)، ما را شدیداً متأثر و متالم

نمود.

رفیق نسرین در باور به مائونیسم

و بارور نمودن این ایده وایدئولوژی

جهانشمول در میدان عمل مبارزاتی

بویژه در رشد و شگوفائی این مکتب

رهائی بخش انسان بخصوص زنان

تپ و تلاش فوق العاده نمود. او با

وجود تکلیف شدید قلبی و درد

جانکاه و طاقت فرسای سرطان،

کار و مبارزات شبانروزی اش را

به پیش برده و تا آخرین رمق حیات

از پا نایستاد.

رفیق نسرین در طول زندگی پر

بارش مبارزات سخت و ژرفی را

برضد رژیم مفلوک و زن ستیز

جمهوری اسلامی و امپریالیزم

جهانی بی باکانه به پیش برد. او با

مبارزات خستگی ناپذیر، دوشادوش

نیرو های انقلابی و ملی سراسر

جهان علیه دشمنان طبقاتی اش

رزمید و بدین وسیله خدمات بزرگی

را به جنبش انقلابی  
انترناسیونالیستی انجام داد و  
محبوب تمامی نیروهای انقلابی،  
گردید.

رفیق نسرین با عشق و علاقه ای  
که به علم انقلاب و رهائی بشریت  
از چنگال دژخیمان زمان داشت در  
پهلوی دیگر فعالیت های مبارزاتی  
اش مبارزات مسقل زنان را  
رهبری کرد و درتأسیس سازمان  
زنان هشت مارس (ایران-  
افغانستان) و دیگر سازمانها و نهاد  
های انقلابی زنان، سهم بسزائی  
گرفته و همواره مبارزات گرم و  
آتشین را دامن می زد. سازمان  
زنان هشت مارس (ایران-  
افغانستان) به کمک دیگر  
سازمانهای انقلابی توانست عرصه  
های مبارزاتی پیگیر و وسیعی را  
به پیش برده و دست آورد های  
درخشانی را به ارمغان آورد.

با تهاجم و اشغال نظامی افغانستان  
توسط امپریالیزم جهانی در ۷  
اکتوبر ۲۰۰۱ رفیق نسرین به  
کمک نیروهای انقلابی افغانستان  
شتافت و به معاونت کمونیست های  
متعهد و انقلابی چون رفیق زنده  
یاد استاد یوسف مومند فراخوان  
تشکیل جبهه ی متحد ضد  
امپریالیزم و ارتجاع افغانستان را  
ترتیب و در پروسهء تدارک  
و تشکیل اکسیون ها و فعالیت های  
عملی و نظری جبهه، فعالانه  
شرکت و همکاری کرد. همچنان  
در اکسیون ها، محافل و تظاهرات

ضد جنگ و اشغال غارتگرانهء  
امپریالیستی عراق، فلسطین،  
افغانستان و... همگام با نیروهای  
انقلابی بین المللی شرکت نموده و  
در تقویت و تحکیم خط و مواضع  
جنبش های انقلابی نیپال، پیرو،  
ترکیه و...، همواره تأثیر گزار بوده  
و به آنها نیرو و توان می بخشید.  
ضروریست تا کار نامهء ها، نوشته  
ها و اشعار گرانبهای این رفیق  
ارجمند که محصول یک عمر  
زحمت و تلاش خستگی ناپذیرش  
می باشد، گرد آوری شده و رهنمود  
والگوی زنان مبارز ایرانی  
و افغانستانی و انقلابیون و کمونیست  
های منطقه و جهان گردد.

بدین وسیله تأثر و تأسف عمیق خود  
را به همه رفقاء و دوستداران این  
رفیق، جنبش انقلابی جهان  
بخصوص حزب کمونیست ایران  
(مارکسیست- لنینیست- مائونیست) و  
سازمان زنان ۸ مارس (ایران -  
افغانستان) که یکی از فعالان آن ها  
بود و خانواده و نزدیکانش ابراز  
نموده، تسلیت می گوئیم به امید آن  
که جای این رفیق انقلابی توسط  
جوانانی که از تجربه ی مبارزاتی  
او آموخته و خواهند آموخت، پر  
شود و درفش سرخی را که در  
دست داشت با افتخار بدوش کشند.

راهش پر بار و رهروانش  
پیروز مند باد.

۲۰ جنوری ۲۰۱۱ ■

## گروه پروسه

همچنان گل مینای جوان... در جاده ی تاریخ

ایستگاه ضرورت

پیاده می شوم

و شمارش می کنم

لحظه ی سرخ موعود را!

(مینا حق شناس)

در روزگار سلطه ی میان مایگی و در این روزهای عزادار بارانی، ما یک رفیق مبارز و انقلابی، مارکسیست-فمینیست پیشرو و یک انقلابی حرفه ای عزیز را از دست داده ایم که تمام زندگی اش را برای جنبش کمونیستی و ساختن جهانی نو و عاری از هر گونه ستم و تبعیض در طبق فداکاری رفیقانه نهاد. بی شک مینا حق شناس پوینده ی راهی بود که پیش از او زنان و مردان مبارز بسیاری در طول تاریخ همچون رزا لوگزامبورگ، کلارا زتکین، کولنتای، مری جونز و... پیموده بودند و رفیق مینا هم ادامه دهنده ی راه آن ها و همه ی مبارزان کمونیست و انترناسیونالیست بود.

مینا نماینده ی نسلی است که زنده گی شان به تمامی مبارزه با نظم جهان کهن برای خلق جهانی نوین بود و صد البته مینا و زنان مبارز همانند او، نیروی های پیشرو این نسل اند که مبارزه با مردسالاری و تبعیض جنسیتی را به فرادای انقلاب کمونیستی موکول نکردند و بر این اساس به مبارزه شان علیه ستم و تبعیض و نابرابری در همه ی جهات وسعت بخشیدند. اکنون اگر چه زمان ستاره ی پُر فروغ حضور گرم مینا را از ما گرفت اما زمانه، زمانه ی میناهاست که مینا حق شناس افق فراروی را برای مبارزه نشان می دهد.

امروز از این زنان و مبارزان باید سخن ها گفت. زنان مبارزی که مینا حق شناس نمونه و الگویی از وجود و حضور درخشان آن هاست و جهانی یکسر نو را در دیدرس به ما نشان می دهند.

مرگ یک شوخی بیشتر نیست با بزرگان، نه هرگز باور نداریم رفیقی چنین استوار از میان ما رفته باشد و نرفته است. این هم مرحله ای از نبرد همیشگی ماست. مرگ با یاس و ناامیدی و انفعال ما معنا می یابد، پس بر می خیزیم.

باشد که گل مینای جوان، الهام بخش ما برای مبارزه علیه تمام اشکال تبعیض و ستم و نابرابری باشد. **یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد**

## کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

بیاد زن مبارز و انقلابی مینا حق شناس

با خبر شدیم مینا حق شناس فعال جنبش زنان و سازمان زنان هشت مارس (ایران- افغانستان)، عضو قدیمی اتحادیه سربداران و عضو موسس حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، نوزده دیماه ۱۳۸۹، پس از چهار سال جدال با بیماری سرطان در کشور محل سکونت اش سوئد درگذشت. مینا نزدیک به چهار دهه مبارزه انقلابی علیه دو رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی را در کارنامه خود دارد.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) ضمن اظهار همدردی با خانواده مینا، به ویژه برادر مبارز وی حمید حق شناس، همگام و هم رزم مان و از جان به در بردگان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان شصت و هفت، دوستان و هم رزمان وی، یاد وی را گرامی می دارد.

پنجشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۹ برابر با ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

## هیئت هماهنگی شورای همبستگی

### با مبارزات مردم ایران- لندن

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مینا حق شناس

مینا حق شناس فعال جنبش زنان پس از چندین سال جدال بی امان با بیماری سرطان درگذشت. اوبخش عمده ای از عمر خود را وقف مبارزه برای رهایی انسانها از یوغ کلیه ستمها و نابرابریها در تمام عرصه ها سپری کرد. بویژه مبارزه علیه نابرابری زن و مرد به همراه مبارزه علیه نابرابری طبقاتی. ما ضمن احترام به کلیه آرمانهای انسانی مینا حق شناس و تقدیر از مبارزات خستگی ناپذیرش درگذشت او را به خانواده، دوستان و یکایک اعضای زنان سازمان هشت مارس عمیقاً تسلیت میگوئیم

۰۱-۱۵-۲۰۱۱

## کمیته جوانان ایرانی - بلژیک

راه درخشان مینا حق شناس

زنی مبارز از میان ما رفت. زنی کمونیست از میان ما رفت. جنبش رهایی زنان و جنبش بین المللی کمونیستی یکی از پایدارترین مبارزین خود را از دست داد. زنی که زن بودن و مادر بودن را در مبارزه معنا بخشید و زندگی را در نبردی نابرابر برای برابری همه ی انسان ها.

مینا از نسل زنانی بود که از تاریخ می آموزند و تاریخ را می سازند. مبارزینی که یک دم در این ظلام درخشیدند و جستند و رفتند. آنان بنفشه بودند، گل دادند و مژده دادند، زمستان شکستند و رفتند. آنان که به چرا مرگ خود آگاه اند.

برای کمیته جوانان بلژیک دانستن، جستجو و آموختن از زندگی مینا؛ درنوردیدن مسیر مبارزات پیشروانی چون او برای ادامه ی راه و تغییر تاریخ است.

برای ما و نسل ما به خصوص دختران جوان زندگی مینا و مرگ مینا، پر از جوانه های امید به زندگی و تلاش و پایداری است. مینا در زندگی مظهر مبارزه بود و در مرگ بذر آن.

کمیته جوانان بلژیک در نبود مینا خود را در کنار خانواده ی صبورش، فعالین سازمان زنان ۸ مارس (ایران- افغانستان) و یاران وی در حزب کمونیست ایران م.ل.م می داند.

## جمعی از فعالین کارگری (جافک)

به همه خویشان، نزدیکان و یاران مینا!

در غمتان شریکیم. در غم از دست دادن کمونیست ارزشمندی که آرزویش رهایی نوع بشر بود.

در غم از دست دادن زن مبارزی که علیه مردسالاری و پدرسالاری می رزمید و همسرنوشتانش را به مبارزه متشکل و آگاهانه علیه ستم جنسیتی فرا می خواند.

در غم از دست دادن رفیق انترناسیونالیستی که بی هیچ احساس فاصله و تفاوتی در کنار همسنگرانش که از افغانستان، کردستان، ترکیه، آلمان، آمریکا یا هر نقطه دیگر دنیا آمده بودند، می ایستاد. پرچم سرخ را به اهتزاز در می آورد. و با شور و هیجان در هر اول ماه مه، انترناسیونال را آواز می کرد.

با همه شما در غم از دست دادن یار و یاور کارگران و زحمتکشان شریکیم که با صمیمیت و رفاقت به جمع شان می شتافت. با آنان همزبان می شد. دردهایشان را باز می شناخت و با در دیگران در میان می گذاشت.

در غم از دست دادن وجود پر احساسی شریکیم که گاه به گاه دل به شعر می سپرد و پیامش را این چنین بر دل می نشاند.

رفقا، یاران، عزیزان!

مینا برای همیشه در روشنایی ایده های ما، در استواری گام های ما و در شکوه آرمان ما زنده خواهد ماند. بهمن ۸۹

## از طرف حزب رنجبران ایران ک.ابراهیم

رفقا و دوستان سازمان زنان ۸ مارس

(ایران - افغانستان)

با کمال تاسف خبردرگذشت رفیق مینا حق شناس از کادرهای سازمان شما را دریافت کردیم.

بدین وسیله مراتب تالم خود را به خاطر از دست دادن این رفیق مبارز به شما و خانواده ی آن رفیق اعلام داشته و امیدواریم غم از دست رفتن آن رفیق را به نیرو برای ادامه ی مبارزه جهت کسب حقوق زنان، تبدیل کنید. ۹ ژانویه ۲۰۱۱

## بهروز سورن - سایت گزارشگران

پیام همدردی سایت گزارشگران بمناسبت

در گذشت فعال جنبش زنان - مینا حق شناس

خبر غم انگیز از دست دادن یکی از پیگیرترین فعالین جنبش رهایی زنان واقعه ای جانگداز برای همه یاران و خانواده این عزیز از دست رفته است.

جای خالی نسرین قطعا هم اکنون و در آینده همه مشتاقان رهایی زنان ایران را متاثر خواهد کرد. زنده است اما پیام مینا که همانا آزادی زنان از یوغ ستم و تبعیض می باشد.

ما را نیز در غم خود شریک بدانید. صبر و استقامت برای

خانواده این عزیز آرزومندیم. ۲۰۱۱-۰۱-۱۳

## جنبش انقلابی جوانان افغانستان

### نوید دانشی

در گذشت رفیق مینا حق شناس امری است بس سنگین بر گرده جنبش نوین کمونیستی ایران. رفیقی که بر بیرق شفق سرخش شروع به مبارزه برای آزادی و برابری و دنیایی نوین بر آن نقش بسته بود را در پی راهی بس عظیم و دشواری که در پیش رو داشت با پرچم انقلابی چپان چین که در سیاه چالهای دولت چین به اهتزاز در آورده بود گره زد و نوید افق کمونیسم انقلابی را اهتزاز در آورد. آری این است شخصیت رفیقی هم چون مینا حق شناس. زنی از تبار چپانگ چینها و صدها زن انقلابی دیگری که دست از خواسته های حق طلبانه و برابری خواهشان بر نداشتند و تا آخرین دمدمه نفس هم آنها را به "ما زمزمه" می کردند. زمزمه مبارزه و آزادیخواهی برای دنیای کمونیسم. صد البته که وداع کردن با یک چنین رفیقی بس سخت و دشوار می باشد.

آری بایستی میثاقمان را که "زمزمه" مینا حق شناس است را ادامه داده و پرچم شفق سرخش را با دستان بلندتری به اهتزاز در آوریم. ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱

و از ضعف جنبش های انقلابی درون ایران و یاس و ناامیدی و سرخوردگی که دامن گیر شان شده سوء استفاده مینماید و از طرفی دیگر که ۱۵۰ هزار قوای اشغالگر امپریالیستی به افغانستان حمله ور شده ودولتی مزدور ودست نشانده را بنا نهاده است ، بسیار جدی و حساس بود؛ اما متاسفانه که این رفیق رزمنده دیگر در میان ما نیست.

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان" در مسیر مبارزه علیه اشغالگران امپریالیستی و خائنین ملی دست نشانده اش بر محور برپائی و پیشبرد مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی، یاد و خاطره این رفیق رزمنده را گرامی میدارد و درگذشت رفیق نسرين را به تمامی فعالین جنبش انقلابی زنان ایران، جنبش انقلابی زنان افغانستان و جنبش های انقلابی سراسر جهان و یکایک اعضای خانواده اش تسلیت گفته و خود را در غم از دست دادن این رفیق گرامی با سازمان زنان هشت مارس (ایران- افغانستان) شریک میداند.

غم و اندوه ناشی از درگذشت رفیق نسرين را به نیروی مبارزاتی برای براندازی نظام حاکم بر جهان بدل کنیم!

۲۳ جدی ۱۳۸۹ (۱۳ جنوری ۲۰۱۱) ■

به مناسبت درگذشت زنده یاد رفیق نسرين (مینا حق شناس)

اعلام همبستگی با سازمان زنان هشت مارس ( ایران - افغانستان)

غم مرگ عزیزان به خاک افتاده سنگین است

دل یاران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است

ولی ، نبود غم واندوه علاج رنج ودرد ما

مداوا بهر درد ما، بود عزم نبرد ما

با تاسف اطلاع یافتیم که رفیق نسرين یکی از فعالان جنبش انقلابی زنان ایران و یک تن از موسسین سازمان زنان هشت مارس ( ایران - افغانستان) به تاریخ ۱۸ جدی ۱۳۸۹ مصادف با ۸ جنوری ۲۰۱۱ بدرود حیات گفته است. یادش جاودانه و راهش پر رهرو باد!

درگذشت رفیق نسرين ، ضایعه ای است که نه تنها بر جنبش انقلابی زنان ایران بلکه بر جنبش انقلابی زنان سراسر جهان سنگینی میکند. رفیق نسرين زنی سلحشور و مبارز ، معلمی مهربان و دلسوز، و شاعری معاصر و بزرگ بود. او بعد از بنیان گذاشتن سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان) بخشی از زندگی اش را متمرکز بر فعالیت های افغانستان در اروپا نمود. او همچنان بر دیدگاه های سنتی رایج در میان جنبش انقلابی زنان ایران و افغانستان مبنی بر کم اهمیت جلوه دادن مقام زن که بیان دقیق قبول ستم مرد بر زن بود ، جسورانه مقابله نمود و مروج و مبلغ اندیشه های نوین با معیارهای انقلابی در سطوح متفاوت بود. او کاملاً معتقد بود که با ایده ها و رفتارهای کهن و سنتی نمیتوان برای جامعه ای نوین و خالی از ظلم و ستم مبارزه کرد و نمیتوان با چنین بینش و اندیشه ای مبارزات انقلابی را به ثمر رساند.

رفیق نسرين، زنی بود که آگاهانه و داوطلبانه زندگی خود را وقف مبارزه و نبرد عظیم برای رهائی زنان ستمدیده از زیر یوغ اسارت و بردگی نموده بود. او استقامت استراتژیک خود را با پافشاری بر آرمان های والای انقلاب و رهائی جامعه بشری و رسیدن به جامعه ای فارغ از هرگونه ستم و استثمار میدانست. نقش رفیق نسرين ، در شرایط فعلی که از یک

طرف دولت مرتجع ایران بیرحمانه بر خلق زحمتکش ایران بطور اخص زنان مورد ستم مردسالار آن جامعه حمله میکند

## جنبش انقلابی آزادی افغانستان - جاآ

به مناسبت درگذشت مینا حق شناس زن مبارز و انقلابی  
به سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

و همه رهروان راه رهایی و آزادی

با تأسف و تأثر فراوان اطلاع یافتیم که مینا حق شناس از یاران سربداران، فعال حقوق زنان و از بنیانگذاران سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) پس از سپری نمودن چهار سال رنج جانکاه بیماری سرطان سحرگاه ۸ جنوری ۲۰۱۱ در کشور سوئد درگذشت.

مینا حق شناس بزرگ زن ایرانی، نه، بلکه این بزرگ زن انقلابی انترناسیونالیست یکی از دلباختگان راه رهایی و آزادی خلق های در بند جهان بود که آگاهانه و عاشقانه زندگی اش را در راه آرمانهای خلقی و انقلابی تمامی خلقها و انقلابیون جهان جاودانه ساخت. او همراه یارانش در طی چند دهه نبردی طولانی با دو رژیم استبدادی و ارتجاعی پهلوی و جمهوری اسلامی با همت والای انقلابی که داشت در مقابل خون آشام ترین نیروهای ارتجاعی تا به دندان مسلح این دو رژیم مستبد و سیاه دلیرانه ایستاد و به عهدی که با خلق های تحت ستم ایران، افغانستان و جهان بسته بود تا پایان عمرش وفادار ماند و هرگز از انجام درست و اصولی وظایف انقلابی اش ذره ای کوتاهی نکرد.

پرپر شدن گلهایی چون مینا از گلستان انقلاب آنچنان داغ و دردی بر دلهای عاشق رهایی و برابری میگذارد که جز با پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب به هیچگونه شکلی تسکین نخواهد یافت. زیرا غم از دست دادن یاران، رفیقان و همزمانی که سخت ترین ایام نبرد را با مقاومت انقلابی خویش ثبت تاریخ نموده اند اندوهی بس گرانبسنگ است.

مینا از زمره آن عاشقانی بود که تا آخرین دقیق عمر خویش جانانه رزمیدند و همچون سرو ایستاده به استقبال مرگ رفتند. او از الگوهای مقاومت و مبارزه عصر ماست. باید به پاس دمتش در راه انقلاب به احترام بایستیم و این سرودش را

می آیم،

با کوله باری از درد،

قلبی پر از امید

مرا دریاب

ای دوست

ای همدرد!

می خواهم،

کوله بارم پر از شادی باشد

پر از نان،

پر از دوستی،

آزادی

پر از برابری

به وسعت بی کران،

به بزرگی حرمت زن

و به سنگینی مسئولیت انسان

شانه هایمان،

توان آن را دارند، برای حمل آن

و دستهایمان،

توان آن را می یابند، برای تقسیم آن

به هر کس به اندازه، نیازش!

جنبش انقلابی آزادی افغانستان - جاآ خود را در اندوه از دست دادن این زن بزرگ مبارز و انقلابی با یاران، خانواده، بستگان و دیگر رهروان راه رهایی و آزادی شریک میدانند. بیانید غم از دست دادن این زن مبارز و انقلابی را به نیروی مبارزاتی کوبنده تر برای رسیدن به رهایی و آزادی میدل سازیم. دستهای گرم تمامی تان را میفشاریم.

۲۵ جدی ۱۳۸۹ برابر با ۱۵ جنوری ۲۰۱۱ ■



## در رثای رفیق مینا حق شناس

کمتیه مرکزی حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست)

وصل شدن به سازمان نتیجه نداد. زمانی که در اواخر دهه شصت رفقای خود را در خارج از کشور یافت، بدون لحظه ای تردید، به عنوان يك فعال انقلابی حرفه ای تمام زندگی خود را وقف بازسازی اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) و سرانجام تاسیس حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) در سال ۱۳۸۰ کرد. محرك او در این راه هدف رهائی بخش کمونیسم بود که به زندگی معنا می داد و او در تمام فراز و نشیب ها و در اوج حملات ضد کمونیستی بورژوازی بین المللی، چشم از آن برنداشت زیرا آن را تنها راه برون رفت بشر از فاجعه ی نظام ستم و استثمار سرمایه داری می دانست.

مینا به عنوان يك زن کمونیست بر مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی و روابط مردسالارانه حاکم بر محیط فائق آمد. علیرغم عشق بزرگ به فرزندش، او را به همسر سابق خویش سپرد و خود گام در راه سخت و پر پیچ خم مبارزه انقلابی گذاشت. چند سالی در کشور آلمان «بویژه در شهر فرانکفورت» فعالیت می کرد. مارش های اول ماه مه سرخ برلین را از دست نمی داد. حضور وی علیرغم بیماری در تظاهرات های ضد جنگ، کارزارهای مبارزاتی، آکسیون های رزمنده علیه جمهوری اسلامی به یارانش دلگرمی می داد. او از کودکی از بیماری قلبی رنج می برد و دوبار مجبور به عمل جراحی قلب شده بود. به همین دلیل گاه در حین فعالیت به دلیل مشکلات ناشی از بیماری در آستانه بیهوشی روانه



انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت های خود را در ارتباط با این سازمان پیش برد. پخش مخفیانه اطلاعیه ها و نشریات شفق سرخ در محلات فقیر نشین و همچنین در خطرناکترین مکانها مانند پادگان نظامی از جمله فعالیت های او بود. پس از فروپاشی شفق سرخ به اتحادیه کمونیستهای ایران پیوست و پس از جنگ ایران و عراق و مهاجرت عده کثیری از اهالی شهرهای جنگ زده خوزستان به شیراز، کمپ های محل اسکان موقت خانواده های کارگران نفت جنوب یکی از مراکز فعالیت سیاسی اش شد.

در سال ۱۳۶۱ شیرازه ی تشکیلات اتحادیه کمونیست ها در نتیجه ی ضربات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، از هم گسیخت و ارتباط مینا با سازمان به کلی قطع شد. او چند سال بی وقفه تلاش کرد تا یاران باقی مانده خود را بیابد، اما موفق نشد. سفرش به کردستان برای

بامداد دیروز، رفیق مینا حق شناس (نسرین - ستاره) پس از چهار سال جدال سخت با بیماری سرطان در کشور سوئد درگذشت. جنبش کمونیستی ایران یکی از وفادارترین یاران خود و جنبش انقلابی زنان یکی از متعهدترین یاوران خود را برای همیشه از دست داد.

ما همدردی خود را با تك تك اعضای خانواده و کلیه دوستان و رفقای مینا اعلام می کنیم. باشد تا با همبستگی و سر بر شانه های هم گذاشتن، غم از دست دادن مینای عزیز را تحمل کنیم و همچون او باشیم که اندوه از دست دادن یاران بیشمارش را تبدیل به عزم و اراده ی بیشتر برای ادامه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برافراشته نگاه داشتن پرچم رهائی بخش کمونیسم کرد.

مینا از نسل کمونیست های انقلابی دهه ۱۳۵۰ بود. در دوران جوانی از طریق سازمان کمونیستی شفق سرخ در شیراز با علم کمونیسم آشنا شد و در هنگامه

بیمارستان می شد. دامنه ی فعالیت انترناسیونالیستی اش یاران زیادی از گوشه و کنار دنیا برایش به ارمغان آورد: کمونیست های انقلابی آلمان، ترکیه، پرو، افغانستان و ....

تجربه زندگی شخصی و ارتقای آگاهی کمونیستی و فمینیستی، او را به یک فعال رزمنده جنبش رهایی زنان بدل کرد. رفقای زنی چون مینا نقش مهمی در جلب توجه حزب ما نسبت به جایگاه پر اهمیت مبارزه علیه ستم بر زن در فرآیند سرنگونی جمهوری اسلامی و بطور کلی در فرایند انقلاب کمونیستی داشتند. با گسترش فعالیت نظری و عملی حزب در این زمینه، انرژی و ابتکار عمل مینا شکفته تر شد.

مینا در بکار بست مشی توده ای و پیوند خوردن با توده های مردم بخصوص زنان، توانا بود. او به زندگی بسیاری از زنان معنا بخشید. با گفته هایش و همچنین اشعار و سروده هایش به آنان جرئت و جسارت می داد.

مینا از بنیانگذاران سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) بود. فعالیت هایش در بخش افغانستان این سازمان متمرکز بود. روحیه انترناسیونالیستی و تلاش های شبانه روزی اش او را به چهره محبوب بسیاری از فعالین انقلابی افغانستانی در اروپا بدل کرد. او جسورانه با دیدگاه های سنتی رایج در میان فعالین جنبش چپ ایران و افغانستان که جنبش زنان را بی مقدار دانسته و در روابط درونی آلوده به مردسالاری بودند مقابله می کرد و مروج و مبلغ نگرش و معیارهای نوین در این زمینه بود و خوب می دانست که با ایده ها و رفتارهای کهن

نمی توان برای جامعه ای نوین مبارزه کرد و آن را به ثمر رساند.

مینا برای فعالیت سیاسی و سازماندهی در میان زنان پناهجوی ایرانی در ترکیه، مدتی را در آن کشور سپری کرد. سازمان زنان هشت مارس و اهدافش را به بسیاری از آنان شناساند و از تجارب زندگی شان آموخت. تداوم جنبش انقلابی زنان بدون وجود امثال مینا میسر نبوده و نیست. در چارچوب انجام وظایف حزبمان، او همواره داوطلب بر عهده گرفتن مسئولیتهای خطیر بود. در این زمینه رهنمود مائوتسه دون را که مینا آموزه هایش را با اشتیاق به کار می بست، نقل می کرد که، همیشه داوطلب انجام سخت ترین کارها شوید. بارها با حداقل امکانات و مشکلات زیاد در مسیرهای ناشناخته گام نهاد و برای تحقق وظایف انقلابی کوشید. او از صمیم قلب به توده های مردم وفا داشت و در سخت ترین شرایط به آنان تکیه می کرد و به حق از حمایت بیدریغ آنان برخوردار می شد.

حزب ما از اینکه این زن پیشرو و کمونیست پایدار از اعضایش بود افتخار می کند. زنی که آگاهانه و داوطلبانه زندگی خود را انتخاب کرده بود و در مکتب طولانی نبرد برای رهایی بشریت تعلیم یافته بود. مینا تا آخرین دقائق زندگی از اینکه آنگونه زندگی کرد که خود میخواست، رضایت خاطر عظیمی داشت. زندگی پر بارش را باید جشن گرفت. باشد تا چنین زندگی معنا داری در میان انقلابیون نسل قدیم و جدید بخصوص زنان جوان فراگیر شود. مینا جزء آن دسته از کمونیست های نسل

قبل بود که اهمیت استقامت و پافشاری بر آرمان های انقلابی و کمونیستی را می دانست. به خود به عنوان حلقه واسط میان دو نسل و دو موج نگاه می کرد.

او نه تنها اهمیت حفظ میراث انقلابی را برای نسل جدید می دانست بلکه عمیقاً باور داشت که تنها بر پایه جمع بندی علمی و نقادانه از گذشته می توان گوهر صاف و زلال و درخشان جنبش کمونیستی را در اختیار نسل جدید قرار داد و موج آتی انقلاب پرولتری و آینده جامعه و جهان را رقم زد. آینده ای که او در یکی از اشعارش اینگونه ترسیم کرده بود و همگان را بدان فراخوانده بود:

می آیم،

با کوله باری از درد،

قلبی پر از امید

مرا در یاب

ای دوست

ای همدرد!

می خواهم،

کوله بارم پر از شادی باشد

پر از نان،

پر از دوستی،

آزادی

پر از برابری

به وسعت بی کران،

به بزرگی حرمت زن

و به سنگینی مسئولیت انسان

شانه هایمان،

توان آن را دارند، برای حمل آن

و دستهایمان،

توان آن را می یابند، برای تقسیم آن

به هر کس به اندازه، نیازش!

## پیوند در خدمت

## وحدت کمونیست های ایران

با اندوه فراوان از مرگ رفیق مینا حق شناس اطلاع یافتیم. پیوند درگذشت این رفیق مبارز را به خانواده، یاران سازمانی و دوستان او، به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی زنان ایران صمیمانه تسلیت می‌گوید

رفیق مینا به عنوان یک زن کمونیست سال‌های عمر خود را در خدمت به جنبش کمونیستی و رهائی مردمان میهن خود از قید ارتجاع و استثمار قرار داد و هم زمان لحظه‌ای از وظیفه انترناسیونالیستی خود غافل نشد.

او در بین کمونیست‌ها و انقلابیون افغانستان، ترکیه، پرو و از محبوبت، اعتماد و احترام ویژه‌ای برخوردار بود.

رفیق مینا در یکی از اشعار خود آمال مبارزاتی‌اش را چنین ترسیم کرد:

می‌آیم،

با کوله باری از درد،

قلبی پر از امید

مرا در یاب

ای دوست

ای همدرد!

می‌خواهم،

کوله بارم پر از شادی باشد

پراز نان،

پراز دوستی،

آزادی

پر از برابری

به وسع بی‌کران،

به بزرگی حرمت زن

و به سنگینی مسئولیت انسان

شانه‌هایمان،

توان آن را دارند، برای حمل آن

و دست‌هایمان،

توان آن را می‌یابند، برای تقسیم آن

به هر کس به اندازه، نیازش!

پیوند با خانواده، یاران و دوستان و کمونیست‌های ایران

در غم مرگ این زن کمونیست و مبارز انقلابی شریک است. ■

## از طرف حزب کمونیست

## (مائونیست) افغانستان

به حزب کمونیست ایران (م ل م)!

رفقای عزیز!

با تاسف اطلاع یافتیم که رفیق نسرین، یک تن از اعضای حزب کمونیست ایران (م ل م)، پس از یک مبارزه طولانی چند ساله علیه مرض سرطان، وفات نموده است. از این بابت غم انگیز، با تمامی رفقا و دوستان هم‌رزم رفیق نسرین و همچنان اعضای خانواده‌اش، ابراز همدردی و غم شریکی می‌نماییم.

رفقای عزیز!

پیوند و هم‌سنگری مبارزاتی کمونیستی انترناسیونالیستی دیرینه میان حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان و حزب کمونیست ایران (م ل م)، بر مبنای مارکسیزم - لنینیسم - مائونیسم و شمولیت در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به مثابه تجمع بین المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائونیست جهان استوار بوده است.

حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، ضمن اظهار مدردی و غم شریکی به مناسبت وفات رفیق نسرین، یکبار دیگر تعهد مبارزاتی استوارش را برای حفظ، ارتقا و نوسازی این پیوند و هم‌سنگری اعلام می‌نماید.

ما وظیفه و مسئولیت کمونیستی انترناسیونالیستی خود می‌دانیم که علیه تمامی چلنج‌ها علیه مبنا و اساس این پیوند و هم‌سنگری، از هر جایی که سر بلند نماید، همچنان به مبارزه اصولی خود ادامه دهیم. فقط بدین صورت است که می‌توانیم یاد و خاطره رفقای مثل رفیق نسرین را زنده نگه داریم.

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائونیسم!

به پیش در راه باز سازی و توسعه تجمع بین المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائونیست کشور های مختلف جهان!

۲۷ جدی ۱۳۸۹ (۱۷ جنوری ۲۰۱۱)

## اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغانهای مقیم اتریش (حریت)

با کمال نیاوری اعضای اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغانهای مقیم اتریش (حریت) از درگذشت غم انگیز رفیق مینا (حق شناس) اطلاع یافتند و بصورت عاجل در جلسه ای اضطراری قطع نامه ای تهیه دیدند که اینک اتحادیه تسلیت نامه خود را به نسبت درگذشت رفیق همسنگر ما به تمام اعضای خانواده رفیق مینا و تمام رفقا و نیروهای مترقی و انقلابی به عرض می رساند تا باشد که دست بدست هم داده غم و اندوه آن عزیز مان را با نقل قولی از خودش که همیشه ورد زبانش بود:

(با وحدت توده های تحت ستم، میتوان به هر نوع سیستم ستم گرانه جهان خاتمه داد). وما با الهام از او فریاد می زنیم که فقط با نیروی مبارزه آگاهانه و انقلابی، علیه هر نوع ستم طبقاتی، ملی، جنسی و سیاسی بپاخوریم. وما نیز در غم آن رفیق زنده یاد خود را بیش از پیش شریک و یادش را با مشت های گره کرده و انقلابی گرامی میداریم.

آری مینا، این زن فداکار که با اندیشه انقلابی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی آراسته بود، هیچگاه در راه گسترش و ارتقا اندیشه آزادی بخش، سکوت را بخود تجویز نکرد و آنگاه که سرشار از نیروی جوانی بود به سوی مکتب انقلابی و آموختن تئوری آن روی آورد.

در هنگام که تشکل های زیاد چپگرا در ایران فعالیت داشتند، سازمان کمونیستی (شفق سرخ) توجه مینا جوان را به خود معطوف داشت، او با فعالیت در این تشکل و پخش مداوم اطلاعیه های شفق سرخ، به عنوان کمونیست فعال پا به میدان مبارزه گذاشت. چندی نگذشت که شفق سرخ از فعالیت باز ماند اما مینا از

فعالیت باز نه ایستاد. رفیق مینا پس از آنکه شفق سرخ فعالیتش غیر محسوس گردید، بدون تردید با حفظ نظرات انقلابی اش در اتحادیه کمونیست های ایران (سربداران) راه مبارزه را در پیش گرفت.

مینا، زن فداکار و خستگی ناپذیر بود که زندگی شرافتمندانه را فقط در راه بیرون رفت بشر از پنجه های فاجعه انگیز نظام سرمایه داری و برقراری نظام کمونیستی میدانست و آرامش خود را تنها در یگانه بستر سرشار از آزادی توده ها می دید.

این زن مبارز و انقلابی با مطالعات عمیق مارکسیسم، لنینیسم و مائوئیسم به این باور بود که «آنیسا آرماند» یکی از سرسپردگان راه آزادی به نمایندگی از زنان پس از پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ و در حین جنگ داخلی، اعلان کرد: "اگر رهایی زنان پس از پیروزی انقلاب قابل تصور نباشد، کمونیسم نیز بدون رهایی زن قابل تصور نیست". مینا خود نیز به همین نقل قول ایمان کامل داشت. چنانچه انقلاب اکتبر اوضاع منطقه و جهان را تغییر داد، و در بطن این انقلاب کبیر شرایط زندگی ستمگرانه زنان نیز به شکل ملی و بین المللی تغییر فاهش کرد؛ یعنی عملاً به زنان این آگاهی را به ارمغان آورد که تحرک انقلابی بدون شرکت فعال زنان امکان ناپذیر خواهد بود. بنا بر آن، در انقلاب اکتبر فعالیت خستگی ناپذیر میلیونها زن دوشادوش مردان حماسه آفرین بود که فعلاً قابل تحسین و سرمشق و نیز سر آغاز مبارزه رهایی بخش واقعی جهان مروزیست.

گرچه از انقلاب اکتبر بیش هشتاد سال میگذرد، ولی پراتیک و تجربه تاریخی به

ما آموخته است که با کاربرد درست مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم درایت این را داریم که به مبارزه مان تا جهان عاری از ستم و استثمار یعنی جهان کمونیستی ادامه دهیم. این عشق و علاقمندی مینا به آزادی انسانهای تحت ستم به مثابه یک زن مبارز و انقلابی، بر علاوه آنکه به خانواده و فرزندش علاقه فراوان داشت، مسئولیت حفظ کانون خانوادگی را به شوهرش سپرد و خود با طی کردن کوچه های پر از سنگلاخها و موانع، برای آزادی و رهایی زن از پنجه های بیرحمانه مردسالاری و همچنان ستم مضاعف مرد سالاری و سرمایه داری،

اورا واداشت تا در فبروری ۱۹۹۸ تشکلی را بنام کمیته زنان هشت مارس بنا نهد و به همکاری همسنگران پس از دو سال در جلسه ای، این کمیته را به سازمان ارتقاء داد که بعداً به نام (سازمان زنان هشت مارس ایرانی-افغانستانی) مسمی گردید. مینا به عقاید تئوریک اش چنان پا برجا بود که در این رابطه نقل قولی داشت که "هیچ دینی را نمیتوان فمینیزه کرد، همچنانکه هیچ فمینیزم را نمیتوان اسلامیزه کرد".

این زن فعال و رزمنده که با چراغ دانش انقلابی اش، راه گشای نظرات آزادی بخش زنان بود که با فعالیتهای انترناسیونالیستی اش در بین زنان افغان، ایران، آلمان و ترکیه محبوبیت چشمگیری داشت. اکنون اگر چه او جسمی در بین ما نیست ولی فعالیت ها، ایده ها و رهنمونیش برای جنبش انقلابی زنده و جاوید خواهد بود. خاطراتش را گرامی میداریم. رهنمونش نیروبخش آزادی انسان، انسانی بنام زن باد!

## کاروان

### به یاد مینا حق شناس

کاروان در خدمت حقوق پناهندگان و مهاجرین عمیقاً در ماتم مرگ مینا حق شناس قرار دارد. این انقلابی ایرانی روز هشتم ژانویه ۲۰۱۱ در غربت تبعید بعثت بیماری سرطان درگذشت. مرگ او، نه تنها برای جنبش انقلابی در ایران، بلکه برای همه ی ما رزمندگان و مبارزین کشورهای مختلف که ستمگری انسان بر انسان بر ایمان قابل تحمل نیست فدائی دردناک است.

مینا در دهه ۱۳۵۰ به جنبش مائوئیستی پیوست و علیه حامیان رژیم شاه مبارزه کرد. اما، مانند بسیاری از هم نسل های خود، خیانت و شکست انقلاب بوسیله انقلاب اسلامی راه اندازی شده توسط دولت های غربی را تجربه کرد. مینای استوار به مخالفت انقلابی علیه رژیم خمینی ادامه داد. هنگامیکه در خلال دهه ۱۳۶۰ رژیم در پی بخون کشیدن کامل جنبش انقلابی بود، مینا دید مبارزه اش در ایران پیش نمی رود و مجبور به زندگی در تبعید شد. در فضای آوارگی، بسیاری از رفقای قدیمی را یافته، و در آنجا صفوف مقاومت مجدداً سازماندهی شد. باین ترتیب تشکیلات مصمم انقلابی «سربداران» را پی گرفته و با ادامه و اتکای به آن حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست) را در سال ۱۳۸۰ ایجاد کردند.

عقاید مینا از بسیاری جهات محرک فعالیت های کاروان در خدمت پناهندگان و مهاجرین شد. بویژه در رابطه با واقعیت در مورد ایران و پناهندگان ایرانی (و پناهندگانی از کشورهای با رژیم های بنیادگرای مذهبی، از قبیل افغانستان) این واقعیت که نباید درگیر بازی قدرت آنهایی که در حکومت هستند شد؛ مبارزه باید علیه هم رژیم ارتجاعی اسلامی ساخته غرب باشد و هم علیه امپریالیسم. با این نگرش کاروان به شکلی سازش ناپذیر برای حقوق زنان در ایران و علیه هرگونه تلاشی برای راه انداختن جنگی تجاوزکارانه علیه مردم ایران، علیه جنگی که بخواهد از درون حصارهای امپریالیستی براه بیافتد، مبارزه می کند.

مینا حق شناس درگذشته است و کماکان دنبال کردن این راه اهمیت دارد. لذا فریاد می زنیم، «سرنگون باد جمهوری اسلامی»، و ما به مبارزه مان اینجا در اروپا در شکم هیولا ادامه میدهیم، علیه این سیستم استثمار انسان از انسان می جنگیم.

زنده باد آزادی!

دیوارهای قلعه ی اروپا را درهم میشکنیم!

## ساسان دانش

### در فراداشت مینا حق شناس

انسانی از نسل زندگی و مبارزه چشم از جهان فروبست.

لحظه به لحظه ی زندگی مینا حق شناس، در فراز و نشیب مبارزه، یادآور خاطره ی انسان هایی است که آزادی را فریاد کردند و در برابر جامعه ی نابرابر سرمایه داری به روشنگری پرداختند.

مینا در پی دانستن، همواره می آموخت و آموزش می داد، مرگ نابهنگام وی، ستاره ای از فعالان جنبش زنان را خاموش نمود و قلب همه ی مبارزان راه آزادی و حقوق زنان را اندوهگین ساخت.

شاید این نوشتار، مفهوم کوچکی از سوگواری باشد، شاید اندرون ما را اندکی آرام کند و شاید مسیر مبارزه ی جوانان امروز، به ویژه زنان را روشنایی بخشد.

به هر روی، هرچند مبارزه ادامه دارد و خواهد داشت، اما از ژرفای لایه های وجودم به یاران سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) و همچنین به خانواده ی شکیبای مینا حق شناس تسلیت می گویم.

## آندره ژید

رفقا و دوستان سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

با کمال تأسف خبر درگذشت رفیق مینا حق شناس از کادرهای سازمان شما را دریافت کردیم. بدین وسیله مراتب تالم خود را به خاطر از دست دادن این رفیق مبارز به شما و خانواده ی آن رفیق اعلام داشته و امیدواریم غم از دست رفتن آن رفیق را به نیرو برای ادامه ی مبارزه جهت کسب حقوق زنان، تبدیل کنید. یادش گرامی و راهش استوار باد.

۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

**طاهره شمس****مینا یکی از طلایه داران آزادی به جاودانگی پیوست**

شورشگر دوران نام و خاطره هایت جاودان باد!

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

این پارچه را به مثابه بیان احساسم به وی تقدیم می دارم:

**طلایه دار آزادی**

در آن دشت و دمن

در آن کوهپایه های بلند

بودی فریاد آزادی

بودی فریاد انقلابی

در آن دشت بیکران

بودی طلایه دار آزادی

فریاد بودی فریاد

ای مبارز جاودان آزادی

در جمله زنان بیشمار

بودی پیکارگر باوقار

ای جان فدای پر راز

کردی عمرت فدای آزادی

ای رفیق زنان افغان

تو بودی برای ما نورچشمان

آرامت بود آزادی جهان

ای زن مبارز شتابان

۱۱ ژانویه ۲۰۱۱ ■



رفیق مبارز و انقلابی ما زنان افغانستان، مینا حق شناس "نسرین" به جاودانگی پیوست. نسرین همچو ستاره فروزنده آزادی درخشید و در بهار آزادگی سر از زیر گل‌های سرخ برآورد. مبارزه اش شعله ور تر کردن را انقلابی وی بود. نسرین همیشه با متانت و لبان خندان و با حوصله و پشتکار در را مبارزه برای رهائی زنان و بینوایان جهان گام می گذاشت.

این زن مبارز و عزیز برای رهائی افغانستان از زیر ستم امپریالیزم، ارتجاع و فرهنگ مردسالار آن با عشق و علاقه انقلابی سخن می راند و آرمانش ایجاد جهانی نو بدون استثمار بود. خاطره های شیرین و آموزنده مبارزاتی اش در قلب رفیقان و زنان افغان وی جاودانه است. وی با تمام تلاش و قدرت انقلابی اش برای روشنگری زنان افغان و برای آزادی آنان، در هر مکان و در هر محفل سیاسی سخنور بود، تلاش و مبارزه وی در ضدیت با استعمار، استثمار و ارتجاع بدون وقفه ادامه داشت. سفرهای متواتر نسرین در تمام ممالک اروپائی و خانه به خانه زنان افغان آواره و دور از میهن، در کنار من خاطره انگیز است. ای

**آذر مساوات**

سلام لیلای عزیزم الان جزو ه شعر مینا حق شناس را خواندم ( از شکوفه های درخت تن ) و خیلی تأسف خوردم که چرا او را به این زودی از دست دادیم. خواستم از فرصت استفاده کنم و به تو و تمام کسانی که از نزدیک او را می شناختند تسلیت بگویم،

اگر چه ضایعه از دست دادن یک مبارز برای کل جامعه درد آور است. **یادش گرامی و راهش پر راه رو باد**

**آذر شیبانی**

به دوستان سازمان هشت مارس و خانواده مینا حق شناس

رفتن مینا مرا بسیار اندوهگین کرد.

جنبش زنان یک یار کوشای خود را از دست داد و تردیدی ندارم که هزاران دست بسوی کوله بار وزینی که مینا از خود بر جای گذاشته است دراز خواهند شد تا با افزودن تجربه های مبارزاتی او به کوله بار خود راهش را در مسیر مبارزه برای آزادی و رهائی زنان از ستم جنسیتی در پی گیرند. ژانویه ۲۰۱۱

## آناهیتا رحمانی

ساعت دو نصف شب صدای لرزان رفیقی خیر هولناک مرگ ستاره (مینا حق شناس) را بمن داد. لحظه ای با خود گفتم آیا مینا این ستاره درخشان سیاهترین شبهای ایران برای همیشه خاموش شده است. باور کنم که آن موجود پر از شور و عشق و انرژی برای همیشه آرمیده است. اشک با شدت از چشمان بهت زده ام فوران زد.

من در تابستان ۲۰۰۱ در حالیکه همراه دخترم به ترکیه رفته بودم برای اولین بار با مینا آشنا شدم. در روزهای سخت تنهایی و ناامیدی زندگی پناهنده‌گی وجود مینا برایم همواره الهام بخش و نیرو دهنده بود. او بعنوان یک انقلابی حرفه ای به وظایف تشکیلاتی و حزبی اش نه تنها عمل بلکه زندگی میکرد. او با افکار و اعتقاداتش برای رهایی انسان عمیقاً عجیب بود. و توانایی آنرا داشت با رابطه عمیق و عاطفی که با دیگران برقرار میکرد این اعتقادات را به دیگران منتقل کند. به خانه هر پناه جویی که برای کار سیاسی قدم میگذاشتیم با مهربانی و عشق، دنیای بدون هرگونه تبعیض و ستمی را به تصویر میکشید و روحیه شورشگری و عدالت خواهانه را در دیگران برمی انگیزت. او با هیچ ستمی سر سازش نداشت بویژه ستم جنسی. او از مناسبات ناعادلانه میان زنان و مردان عمیقاً به خشم میامد و روابط مرد سالارانه سنتی در خانواده های پناهجوی ایرانی را بدون ذره ای ملاحظه به چالش می گرفت. او حامی جدی و وفادار زنان بود. و بی دلیل نبود که از خشم ستمگران خانگی در امان نمی ماند. او به زنان یاد میداد که ستم جنسی چیست و چگونه باید با آن مبارزه کرد.

مینا مقاله نویس و شاعر انقلابی بود ولی ویژگی بارز او قدرت نفوذ او در درون توده ها و کار توده ای او بود. او سازماندهی قوی بود. آگاهی دادن و متشکل کردن را همچون نفس کشیدن را مبرم میدانست. اعتقاد راسخش به کمونیسم از او موجودی سرسخت در نبرد با مشکلات ساخته بود. به همین دلیل خیلی زود علاقه و احترام عمیق دیگران را برمی انگیزت. مینا که درد تنهایی را چشیده بود؛ ارزش انسانها ی اطراف خود را میدانست. اگرچه او در جمع کثیری از مردم میزیست و محبوب آنها بود اما هیچ فرصتی را برای خلوت کردن با خود از دست نمیداد. شاید ساعتها تنها در گوشه ای می نشست؛ فکر میکرد و مینوشت و برای چالشهای بعدیمان نقشه میریخت. در ماموریتهای حزبی اش به مناطق گوناگون؛ گاه میشد که روزها ی طولانی مانند تعطیلات کریسمس زمانی که همه در کنار خانواده خود به جشن و شادی می گذراندند تنها در خانه ای پرت و دور افتاده پشت پنجره ای نشسته و فرود آمدن دانه های برف را تماشا میکرد و مناسبات پر از رذالت و پستی و آلوده به پول جهان سرمایه داری را با خود مرور میکرد و با روحیه حساس و عمیق اش دانه های اشک برگونه جاری ساخته و بی صبرانه تر در انتظار شروع دوباره فعالیتش....

مینا در حالیکه از بیماری های گوناگون رنج میبرد و قلب طپنده اش

## سپاوش از ایران

رفیق مینا!

تو در زمان جاری هستی

و در آن مشقت واره های پر از کین

که می تپد به سینه ی میلیون ها زحمتکش

و سینه ی صدها رزمنده

تو در آژنگ هر جبین

که از کینه نقش گرفته

و در خروش هر فریاد

که برمی خیزد از حلقوم

به راه ستیزه با بیداد

و تو جاری هستی

در خون

که روشنایی سرخ اش

می پالاید سیاهی دوران را

و تو جاری هستی در شفق سرخ انقلاب

که سرانجام واژگون میکند

تخت حاکمان و سرمایه داران را

و درهم خرد میکند زنجیرهای برده گی را

از میان این همه خون

و تو در حقیقت پیروزی، جریان داری

پیروزی زحمتکشان و کارگران.

با درجه مصنوعی کار میکرد، با امید و کوشش فروتنانه و مجدانه خود برای رهایی زنان و همه ستمدینگان؛ لحظه لحظه زندگی خود را وقف رهایی انسان کرد. او هرگز از مقاومت در برابر امواج سازش و تسلیم نیروهای رفرمیست و اصلاح طلب دست نکشید و پیگیرانه از مواضع رایکال و انقلابی جنبش زنان دفاع کرد.

از دست دادن مینا ضایعه بزرگی برای جنبش انقلابی زنان و جنبش کمونیستی ایران و جهان است. از دست دادن مینا دردی جانکاه برای تمام پیشروان راه آزادی و کمونیسم است که تنها با گذشتن از نعرش جمهوری اسلامی و ساختن دنیای عاری از ستم و استثمار میتواند مرهم یابد. یاد و خاطره مینا در نبض قوی زندگی و مبارزه عاشقان رهایی انسان از هر ستم و استثمار همواره جاریست. زندگی پر بار مینا حق شناس، این انقلابی بزرگ ارزشمند را ارج نهاده و اندوه مرگ او را به تمام رفقا و دوستان و خانواده اش تسلیت می گویم.

## جلال سراجی از ایتالیا

خبر کوتاه بود. سنگین به سنگینی کوه بر قلب و بر خاطره یاران دور و نزدیک رفیق مینا حق شناس فرود آمد. آری رفیق مینا، کمونیستی پیگیر از تبار یاران سربدار در آخرین جدال خود با بیماری سرطان، ما را در عرصه حیات تنها گذاشت.

به راستی در یک چنین مواقعی ناتوانی، قلم و بیان را چنان در پنجه خود می‌گیرد که تو گویی این سنگینی غم را دیگر پایانی نیست، لکن این آنچه مینا می‌خواست و برایش زندگی کرد و از بسیاری از علائق شخصی اش گذشت و تا پایان عمر متاسفانه کوتاهش برای آن جنگید نیست. مینا جهانی نوین را طالب بود و برایش می‌جنگید که در آن بتواند با

”آتش و تندر و گلوله زیباترین نغمه را نغمه“ کند،

”ذره ذره زندگی نوین عشقی نوین  
خنده نوین و نفرتی سخت دیرینه را

در بطن هر زمین خشک در دل هر خروش رود

در هر وزش باد بر لبان کودکان

دست پینه بسته دهقانان

و بازوان کارگران“ بکار

آری در جهان نوین رفیق همیشه زنده در روح عمل انقلابی یاران به جا مانده اش، عجز و ناتوانی را مکانی نیست، چرا که آن جور که او نیز می‌خواست باید که غم را به خشم، و خشم را به خروش، برای شورشی طوفان زا در راه ایجاد نظم نوین تبدیل کرد. رفیق مینا، این کهنه سرباز لشکر انقلاب را بسیاری می‌شناختیم وی بی‌شک اندوه از دست دادن یک چنین عزیز می‌تواند که کین ما را به شرایط موجود دو صد افزون نکند، او اولین یار جان باخته ما نیست و متاسفانه آخرین آنها نیز نخواهد بود. از کاک صلاح تا مینا جویباری از خون یاران، راه پر پیچ و خم ما را هر روزه آبیاری کرده تا نهال انقلاب را به درختی نتواند تبدیل کرده تا بتوانیم نظم نوین را پی افکنیم.

۱۷ ژانویه ۲۰۱۱

## یاسمین میظر

رفقای عزیز ۸ مارس

با کامل تأسف از درگذشت رفیق عزیز مینا حق شناس مطلع شدم

ویژگی مینا در این بود که در شرایط تعیین کننده ای از تاریخ چپ معاصر پیگیرانه موضع رادیکالی اتخاذ کرد. در مقطع شکل گیری ۸ مارس بر خلاف بسیاری از فعالین جنبش زنان که پی سازش با فمینیسم اسلامی بودند، بر موضع مارکسیستی در دفاع از حقوق زن تأکید کرد. در سالهای اخیر در شرایطی که بسیاری از مدعیان چپ به مدافعان جمهوری اسلامی یا همکاران آگاه یا نا آگاه جنگ افروزی‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه شده اند مینا بر مبارزه همزمان بر علیه امپریالیسم و جمهوری اسلامی پایبند بود.

باشد که مبارزات پیگیر او علیه همه جناحهای حکومت ارتجاع حاکم بر کشورمان الهام بخش نسل جدیدی از فعالان سیاسی چپ باشد.

یادش گرامی باد و راهش پر رهرو

## نادر ثانی

یاد مینا حق شناس گرامی باد!

روز یکشنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۸۹ مینا حق شناس یکی از فعالان جنبش زنان و یکی از اعضای اتحادیه سربداران پس از ۴ سال مبارزه با بیماری سرطان در سوئد درگذشت. مینا حق شناس سالهایی بسیار (نزدیک به ۴ دهه) به اشکال گوناگون علیه دو رژیم وابسته به امپریالیسم سلطنتی پهلوی و جمهوری اسلامی و سیستم و اندیشه مردسالارانه مبارزه کرده و برای دستیابی به آرمانهای خود هرگز از تلاش باز نایستاد. متاسفانه مینا پیش از آنکه شاهد پیروزی توده‌های تحت‌ستم ما بر دشمنان شان باشد در تبعید برای همیشه چشم فرو بست.

به عنوان فردی که از دور او را می‌شناخته و شاهد مبارزاتش بوده است، یاد وی و تلاشش در جهت سرنوینی جمهوری اسلامی را گرامی داشته و همدردی خود را با خانواده او و همراهان و همگامانش اعلام می‌کنم.

یاد تمامی مبارزان راه آزادی و برابری زن و مرد گرامی باد!

۲۳ دی ماه ۱۳۸۹



**فرشته بهاری**

وداع با آنکه هزار

خنده خورشید بر لب داشت

هزاران برگ

هزاران رنگ

هزاران همه‌مه در باد

می ستایند ترا در یاد!

هزاران شر

هزاران شور

هزاران پیچش برگ با باد

بسوی خیزشی در راه!

از دست دادن رفیق پرتلاش و انقلابی

"مینا حق شناس" را به جنبش زنان؛

جنبش کمونیستی ایران

و طبقه کارگر تسلیت می گوئیم

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

**... راوی****ما همه مینا هستیم**

رفیق مینا حق شناس آزاد زنی از جنس زمان و تاریخ، آزاد زنی از جنس مقاومت و مبارزه و طغیان، آزاد زنی از دیار زحمت و ستم، آزاد زنی که همیشه رو به آن وسعت بی واژه نظر داشت و مصائب آزادی را در جهان ستمگران به تن و جان خرید.

مینا و آرمانهای او در چگونه زیستن ما و تداوم راهش زنده خواهد ماند! یاد و خاطره این عزیز از دست رفته گرامی و راهش هر چه پر رهرو تر باد. پنج شنبه ۲۳ دی ۱۳۸۹ برابر با ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

**طاهره**

جنبش چپ یکی از یاران خستگی ناپذیر خود را از دست و من یکی از بهترین دوستانم را.... درگذشت رفیق مینا حق شناس را به تمامی یاران هم‌رزمش خصوصاً " حزب کمونیست ایران (م ل م) سازمان زنان هشت مارس ( ایران - افغانستان ) و همچنین به خانواده گرامی اش تسلیت می گویم. یادش گرامی و راهش پر رهرو

**گلاویز حسینی****دوستان عزیز ۸ مارس!**

با دروذهای فراوان و آرزوی بهترینها برای شما.

در نوشتن چند جمله شایسته در یادی از رفیق مینا حق شناس تامل کردم و این تامل بدان سبب بود که بنده سعادت آشنایی با ایشان را نداشتم. در فاصله چند روز اخیر که خبر مرگ نابهنگام این رفیق گرامی و گرانبها پخش شد، از صفات برجسته ایشان بسیار شنیدم و خواندم. یقیناً مرگ مینا ضایعه ای سنگین برای جنبش راهی بخش ستمدیدگان بوده و میباشد.

به زعم تمامی کسانی که در باب مرگ مینای عزیز نوشتند و گفتند، مینا باورهایش را زندگی و زندگیش را وقف تحقق بخشیدن باورهایش کرد و به آن معنا بخشید.

از صمیم قلب مرگ بابهنگام رفیق مینا حق شناس را به شما دوستان و هم‌رزمان و تمامی زنان و مردان آزادیخواه تسلیت می گویم و من را در غم سنگین خود شریک بدانید. مینا از میان ما رفت ولی به قول دوست عزیز که نوشت مینای عزیز ما با تو خداحافظی نمی کنیم چون یادت همیشه در میان ما زنده و راهت پر رهرو است.

به امید رسیدن به آرمانهایمان که از آرمانهای والای رفیق مینا حق شناس بود. استکهلم ژانویه ۲۰۱۱

**ناهید ام . ک**

یاد رفیق مینا گرامی و راهش پر رهرو باد. به خانواده عزیز و یاران مبارز تسلیت می گویم. جنبش زنان یکی از یاران مبارز و استوارش را از دست داد. اما اهداف این رفیق گرامی همواره در مبارزات زنان انقلابی برقرار میباشد.

**مسعود و مینا**

نسرین، ستاره، مینا

نامش آشنا نیست، ولی نگاه و لبخندش یک دنیا خاطره است. خاطره دیدارهای سرزده و شادی آورش، شبهای جمع گفتگو، صدای ضربان قلبش در هیجان بحث، تلاش خستگی ناپذیر و بی تردیدش برای جهانی بهتر و نامه های پرشور انقلابی برای همیشه هست، در صفوف انسانیهای آزادیخواه تا انتهای مبارزه .

### مرجان افتخاری آذر، لیلا و همه رفقای ۸ مارس

رفتن مینا شدیداً مرا اندوهگین کرد. اکنون در این شرایط سخت از دست دادن رفیقی مثل مینا برای جنبش زنان سنگین و ناراحت کننده است. در شرایطی که جنبش ما بوجود کسانی مثل مینا نیاز دارد. از دست دادن هر رفیقی دردناک است، بخصوص وقتی به وضعییت و شرایط نگاه می کنی که طیف راست خود را نمایندگان و مبارزین جنبش زنان می دانند. به امید این که با تلاش سایر رفقا جای مینا در بین زنان مبارز و رادیکال خالی نباشد. به امید دیدار شما ۱۰ ژانویه ۲۰۱۱

### صادق صادقی

با کمال تاسف افتخار آشنائی با ایشان را نداشتم اما با خواندن بیوگرافی مختصر ایشان بعنوان کسی که از دهه ۵۰ فعال بوده و فراز و نشیب فراوان را پشت سر گذاشته و حامل کوهی از تجارب تلخ و شیرین بوده و در شکل گیری حزب و سازمان زنان هشت مارس نقش فعالی به عهده داشته متاثرشدم و تنها قصدم ابراز همدردی بود و بس.  
۱۳/۰۱/۲۰۱۱

### زمان مسعودی

رفقای گرمی سازمان زنان هشت مارس  
من خود را با شما رفقای عزیزم در غم از دست رفتن رفیق مینا شریک میدانم.  
اندوه فقدان این رفیق گرمی جنبش انقلابی زنان جهان را به نیرو تبدیل کرده و مشترکا در راه اهداف او قدم خواهیم برداشت. دستهایتان را به گرمی می فشارم.  
ما پرچم رفیق مینا را افراشته خواهیم داشت! یادش گرمی!  
هامبورگ یازده مارس ۲۰۱۱

### زهرا ستوده

رفقای عزیز با سلام دستتان را به گرمی می فشارم و از دست دادن چنین رفیق مبارزی را به خانواده، دوستان و بخصوص به مبارزان جنبش انقلابی تسلیت می گویم. ۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

### ناهید از آمریکا

دوستان و رفقای عزیز  
از دست دادن رفیق مینا را به همه تسلیت می گویم.  
یادش گرمی و راهش پر رهرو باد ۱۲ ژانویه ۲۰۱۱

### الهه امانی

خود را در غم شما شریک می دانم. با مهر  
۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

### ظاهره - خ

### از دوستان مینا از ایران

### خطاب به مینا

با دیدار و مصاحبتت و با یاد تمامی شماییان

کلام در من جوشید:

آرام آرام، آهسته

از دیر باز

از دوره‌های دور

ابره‌های تیره ی سیاه بختی مرا

گذر کردی

ای خورشید تابان آسمان زندگی

گرمی بخشیدی وجود سرما زده ی مرا

و خون در رگهایم به جریان انداختی

و پیام آور

ره آوردی نوین و روان گشتی

گذر کن همیشه

بیا و گذر کن و بر من بتاب

تا دست در دست هم

به سفری دور و دراز رویم

پایکوبان و شادی کنان

بسوی شهر بزرگ چراغانی مان

چراغانی، با چراغهایی به شماره ی

اشکهایی که از دیده ی ما

و در دل هایمان ریختیم

همه ی ما

ما ها و مادرانمان

و همه ی

خویشان و کسان مان

اشکهایی که ریختیم

از رنجه‌ها و ماتم هایی

به قدمت تاریخ عظیم انسان

در شبهایی تاریک و روزهایی پر از

درد و رنج

و از حرکت باز نایستادیم

به امید شهر بزرگ چراغانی ما

## پیام پروانه بکاه در مراسم یاد بود مینا

در پراتیک مبارزات زنی جدی و پیگیر، با دستانی  
پراز تجربه از میان ما رفت.

زنی وفادار به آرمان‌های خود، قوی و مصمم از میان  
ما رفت.

در راهی بس سخت و ناهموار برای ریختن بذر "برابری‌خواهی زن و مرد" بسیار زحمت کشید، با دستان قوی و وفادار به آرمان هایش، و با سرانگشتانش این راه را شخم زد و پیگیرانه راه را هموار کرد. راه را برای غنچه‌های جوان، برای نسل بعدی، باز کرد، راهی پراز سنگلاخ باید ساخته می‌شد. راهی که فمینیسم کج و مأموج، نماینده-گی مبارزات "برابری طلبانه" را از آن خود می‌داند و "سبز بی سبزینه" را در اصلاحات خارج و داخل کشور تبلیغ می‌کند و آب در سیمان حفظ و نگهداری جمهوری اسلامی می‌ریزد، راهی که فمینیسم اسلامی با روسری و بی روسری، لیبرالیسم را در میان زنان تبلیغ می‌کند. نسرين (مینا) درکنار دیگر زنان مبارز، از خودگذشته و از خود رها شده‌ای مانند آذر درخشان، لیلا پرنیان و بسیاری از عزیزان دیگر، راه را ساخت ولی جان را به بیماری گذاشت، راه را ساخت و جان را باخت.

اما یادش ماند. راهش ماند، در روزگاری که سیه‌روزی و نگون بختی در بین زنان زحمتکش و کارگر، زنان اقشار کم درآمد جامعه که کم نیستند، به مقوله‌ای عادی تبدیل شده‌است، در این روزگار، مبارزه بی‌امان نسرين و همزمانش ضرورتی اجتناب ناپذیر است. نسرين از پراتیک مبارزاتی می‌آمد، هر روز را در کنار زنان طی می‌کرد، با زنان در زندگی روزمره ارتباط داشت، مسائل و مشکلاتشان، سنت‌های خانوادگی‌شان، برخورد به دختران جوان و رابطه زن و مرد زنان زحمتکش را از نزدیک لمس کرده بود و روحیه زنان زحمتکش را به خوبی نمایندگی می‌کرد. ازدل زنان زحمتکش می‌گفت و از درون آنان تعریف می‌کرد. خودش نیز زحمت کشان به یاری زنان بی پناه می‌شتافت.

حضورش در روزهای اول درست کردن "کمیته زنان هشت مارس" برایم جالب بود. خیلی محکم حرف می‌زد، اما از لابلای کلام جدی و محکمش، صمیمیتی را میتوانستم احساس کنم. اما هرگز نتوانستیم با دلی آرام و کمی آسایش از جنایات رژیم جمهوری اسلامی زن ستیز ایران، نفسی راحت بکشیم و لحظه‌ای را به گفتگو با یکدیگر بپردازیم. نمیتوان مبارزات مینا را در این دوران بی‌عدالتی مطلقه و خودکامگی رژیم جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفت.

نسرين (مینا) برای من نمونه زنی مبارز و پیگیر است. زنی که تمام زندگیش را برای آرمانش گذاشت و هیچ گله و شکایتی نیز نداشت. زنی که روحیه اش نمونه‌ای است، در میان نمونه های دیگر مبارزات، برای یادگیری و عمل کردن. به فرزندش، همسرش، یارانش، جنبش زنان و جنبش سیاسی ایران تسلیت عرض می‌کنم.

راهش را بی وقفه ادامه خواهیم داد!

پيامش را بی‌وقفه همچنان فریاد خواهیم کرد!

۱۹ ژانویه ۲۰۱۱

### اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

به یاد رفیق مینا حق شناس زنی انتر ناسیونالیست

چه غم انگیز و طاقت فرساست که مینا این یار و یاور زنان ستمدیده جهان به ناگاه در گوشه ای از جهان چشم فرو بست.

زمان زیادی لازم نبود که تا انسان به جدیت و جسارتش پی ببرد.

او همیشه لبخند و شادی بر چهره اش جاری بود. او همواره در حالی که برای آزادی از قید و بند خرافه و استثمار هر خطری را به جان می‌خرد مشتاقانه مسائل روز جنبش های کارگری و زنان را دنبال می‌کرد.

مینا بیش از چهار دهه چه در زمان رژیم شاه و چه در جمهوری اسلامی سرمایه، خستگی ناپذیر بر علیه اجحافات نظام سرمایه داری مبارزه کرد.

مینا بعنوان یک فعال جنبش زنان در بین فعالین دفاع از حقوق زنان در ایران و افغانستان محبوبیت خاصی داشت.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران یاد این رفیق مبارز را گرامی داشته و از دست دادن این مبارز راه آزادی و برابری را به تمام کارگران و مبارزان راه آزادی زن از قید و خرافه و سرمایه تسلیت می‌گوید. **یادش گرامی یاد**

\*\*\*\*\*

### سهراب سهرابی

خبر درگذشت ستاره عزیز ما را غمگین و سوگوار نمود. عظمت وجود ستاره آن چنان بود که هر انسانی با هر مقام و اندیشه را در اولین لحظات دیدارش متأثر و مجذوب خود می‌نمود، من خود از جمله افرادی بودم که در اولین ساعات دیدار حیران روحیه انقلابی این شیر زن مبارز و جدا کم نظیر شدم. **یادش گرامی و راهش ادامه راهمان ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱**

## تراب حق شناس

به رفقای مبارز در سازمان زنان ۸ مارس

( ایرانی- افغانی) و به یاد رفیقی که جایش خالی ست

از روزی که فقدان تأسف انگیز رفیقان مینا حق شناس را اعلام کرده اید چند نفر از دوستان از من پرسیده اند که آیا بین من و او رابطه ای خویشاوندی وجود داشته است؟ پاسخ من تأکید بر وجود پیوندی نیرومندتر از خویشاوندی ست. پیوند وفاداری به آرمان رهایی کارگران و زحمتکشان، پیوند مقاومت در برابر امواج سازش و تسلیم که از هر سو می وزد، پیوند امید و کوشش فروتنانه، وجدانه و همه جانبه برای رهایی زنان و همهء ستمدیدگان، پیوندی که با جان درآمیخته است. بدین معنا آیا می توانم خود را قوم و خویش او و شما بدانم؟ مرا در غم خود و گرامیداشت رفیق مینا شریک بدانید. ممنون می شوم.

۱۴ ژانویه ۲۰۱۱

## هوشنگ معین زاده

با درود فراوان: من هم در اندوه شما و یارانانتان از درگذشت زنده یاد بانو مینا حق شناس شریک هستم.

۹ ژانویه ۲۰۱۱

نام و یادش گرامی باد

## استی پیروتی

خبر مرگ رفیق عزیز مینا حق شناس را چندی پیش شنیدم، و برای صدمین بار قلبم از دوری و از دست دادن عزیزانم شکسته شد. امیدوار بودم که به توانم در مراسم خاکسپاری مینای عزیز شرکت کنم ولی متأسفانه امکان شرکت در این مراسم برایم فراهم نیست، بدین جهت خواستم چند کلمه‌ای با شما رفقا و همراهان مینا در باره مینا با شما صحبت کنم. من چندین روز زیر یک سقف با مینا زندگی کردم، واقعا فشرده و ویژگی های یک زن مبارز و کمونیست را بطور بارز در او دیدم. او زنی سرشار از شور و اشتیاق برای مبارزه با دشمنان ریز و درشت مردم تحت ستم جهان بود. زنی که امیدوار به ساختن جهانی عاری از ظلم و ستم بود. آنچه به توانم بطور خلاصه در مورد مینا برایتان بازگو کنم، هنر و دانش ویژه مینا در شناخت از ویژگی های مرد سالاری و عملکرد آن در جامعه و بلاخص شناخت او از رفتار مرد سالارانه در صف جنبش انقلابی در بین روشنفکران مرد و همچنین جسارت مینا در مبارزه با هر نوع رفتار مرد سالارانه بود. بی گومان یاد و راه مینا هرگز فراموش نخواهد شد.

## پروانه قاسمی و جابر کلیبی

با تأسف بسیار مطلع شدیم که رفیق مینا حق شناس، مبارز کمونیست و فعال جنبش آزادی و رهایی زنان در گذشته است. از دست دادن یک رفیق مبارز، بویژه در دورانی که جنبش کمونیستی ایران نیاز مبرمی به کادرهای ورزیده و با تجربه دارد، برای جنبش کمونیستی ضایعه ای سنگین بشمار می رود. بدون تردید جای خالی رفقای مبارزی چون مینا را رفقای دیگری پر خواهند کرد و راه او را برای ایجاد جامعه ای خالی از استثمار و نابرابری، ادامه خواهند داد. **یادش گرامی باد!**

## لیلا دانش

مینا حق شناس یکی از زنان نسلی بود که تاریخ با هر قلمی ناچار از ثبت تلاش ها و پویش هایشان در یکی از سیاهترین دوره هاست. مینا بطور قطع یکی از آنانی بود که در دالان ها و دهلیزهای این تاریخ با دادن شانه بزر بار سنگین تلاش برای رهایی تا پیش از شکستن پیکر در چنگال بیماری و مرگ از پای ننشست. در غم درگذشت این زن مبارز شریکم. **ژانویه ۲۰۱۱**

## فیروزه راد

با سلام تلاش برای ساختن جهانی که انسانها آزاد و برابر و دور از هر گونه تبعیض در آن زندگی کنند همیشه با ارزش است خصوصا در این زمان که این چنین کمبودش احساس می شود. از دست دادن رفقای که زندگی خود را در این راه گذاشته اند باری گران بر قلب هم راهان می گذارد. **یادش گرامی و راهش پر رهرو**

## مینا احدی

### پیام تسلیت به خانواده و همسنگران مینا حق شناس

با کمال تأثر و تأسف اطلاع یافتیم که مینا حق شناس بر اثر بیماری سرطان جان باخت. این يك تراژدی و يك واقعه دردناك برای همه کسانی است که مینا را از نزدیک می شناختند. فعالیتهای سازش ناپذیر علیه حکومت اسلامی و تلاش و کوشش فداکارانه در دفاع از حقوق زنان و حقوق مردم، مینا را در قلب بسیاری جا داده بود.

از طرف سازمان علیه تبعیض و کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار جان باختن مینای عزیز را به همه دوستان و آشنایان، به حمید حق شناس، به سیما بهاری عزیز و به خانواده مینا صمیمانه تسلیت میگویم. **یاد و خاطره مینا برای ما همواره جاودانه است.**

۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

## یاران گرامی مینا حق شناس

## هایده ترابی

از شنیدن خبر درگذشت مینا بسیار متأثر شدم، تاره عکس او را که دیدم متوجه شدم که این زن فعال و مبارز را می شناختم.

۱۱ ژانویه ۲۰۱۱

صمیمانه به شما تسلیت می گویم.

**گیسو شاکری**

رفقای هشت مارس : زنان مبارزی چون مینا حق شناس اگر چه دیگر در میان ما نیستند. اما یادشان، کوشش هایشان ، باورشان و توانائی هایشان با ما و تمام کسانی است که با جنبش آزادی و برابری طلبانه ی زنان همراهند. **یاد چنین عزیزانی راهنما و روشنگر راه مبارزان آزادی ست.**

**زیبا کرباسی**

شعر سنگسار را هفده سال پیش سروده‌ام این شعر شاید اکنون در نگاه ویرایشگر من بسی کم بی‌آورد ولی آنچه که هنوز مهم و استوارش نگه می‌دارد همین یک مورد است این اولین شعر سنگسار تاریخ ادبیات فارسی ست و آغاز پیوند من با جان‌های سوخته و زنان دلیر سرزمینی در باد. **مینا حق شناس یکی از آن زنان بود او آن هزار زن یادش گرامی باد**

**با احترام شهرام نجفی**

درگذشت رفیق مینا حق شناس را به همه تسلیت می گویم. از دست دادن اینچنین عناصر زحمتکشی در این شرایط که چپ ایران در پراکندگی و تشتت به سر می برد، ضربه ای جبران ناپذیر به جنبش آزادی خواهی مردم ایران و مبارزه طبقاتی در ایران است. **یادش جاودانه باد.**

**مسعود**

چه نوشته پر معنی و لبریز از احساس: قطره اشکهای ذلال که از چشم های شما عزیزان روان است را به نرمی و محبت از چهره دردمندان پاک می کنم و گونه های همه شما رفقا را بوس باران می کنم. **یادش و راهش گرامی باد**

**آلی**

ضمن تسلیت به دوستان و مبارزین راه آزادی امید که راهش پر رهرو باد در فقدان این مبارز برای همه صبوری آرزو می کنم

**با احترام عزیز عارفی**

**به یاد انسانی شریف و دردی مشترک** از دست دادن انسانی شریف و کمونیستی ارزنده، آنهم در شرایطی که نیاز به صداهای سرخ و فریادهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه است اندوهی است بس بزرگ و غمی است دردناک که هر تبسمی را بر چهره خانواده اش، یاران و دوستانش ویران کرده. رفیق مینا سالیان سال با شور و عشق و امید به فردائی شایسته و سرخ که میبایست فرماندهان استثمار و ستم سرنگوهن و کارگران و زحمتکشان حاکم شوند، جانانه جنگید و در زیر سایه مرگ همواره صدای دادخواهی زنان و تهیدستان زمین بود. این زن شجاع و مبارز از همه محکهای آزمایش سخت و تحمیلی زندگی سربلند بیرون آمد و سربلند زیستن را مصمم و استوار ترجیح داد به تن خواری و ذلت کشیدن. روح بلند و سرکشش به‌مراه عشق سرخ و بیمارزش به کارگران و زحمتکشان سالها بود که از مرزهای سرمایه جهانی گذشته بود و به شعار کارگران جهان متحد شوید تبدیل شد. من خودم را همدرد خانواده اش، یارانش و دوستانش میدانم و در غم و اندوهشان شریک. در پایان استقامت و شکیبایی را برای خانواده و یارانش را آرزومندم.

۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

**بصیر نصیبی**

یاران و همراهان سازمان زنان هشت مارس ( ایران - افغانستان)

از طرف همکارانم در نشریه «سینمای آزاد» و خودم خاموشی غم انگیز «مینا حق شناس» را به شما و همه فعالین جنبش زنان با اندوه بسیار تسلیت می گویم. در شرایطی که بخشی از زنان نا آگاه و یا وابسته به شبه اصلاح طلبان زیر عنوان مبارزه! با ج. اسلامی در راه بقای این نظام نا انسان به سبز سیدی ملبس شده اند. حضور زنانی شجاع ، مبارز و آگاه که با کلیت این نظام مافیایی مبارزه می کنند ارزش بسیار دارد.

دریغ که مینا حق شناس دیگر در میان ما نیست.

حتم دارم که یاران ۸ مارس با توان و انرژی بسیار راه و کار مینا را ادامه می دهند، ما را در غم و دردتان سهیم بدانید .

سردبیر نشریه سینمای آزاد

۱۳ ژانویه ۲۰۱۱

**مرجان انصاری**

با درود

دوستان عزیز و رفقا

با ابراز تاسف از، از دست دادن یار مبارزی دیگر را تسلیت می گویم.

۱۲ ژانویه ۲۰۱۱

**ناصر مهاجر**

چه خبر بدی! چه روزهای بدی!

زباتم در دهان نمی چرخد و انگشتانم

بر صفحه کلید می لرزد.

مصیبت از پی مصیبت تا کی؟ تا چند؟

۹ ژانویه ۲۰۱۱

**شهین حیدری:**

دوستان گرامی غم از دست دادن رفیق مبارز مینا حق شناس بر دل همگی ما سنگینی میکند و بیشتر از همه دوستان نزدیک و خانواده ایشان همچنین تمامی انسانهای مبارز. من نیز این غم بزرگ را به شما تسلیت میگویم. آرزوی متحقق شدن آرزوهای والای آن رفیق را دارم

**ثریا فتاحی، فریده رضایی، صدیقه محمدی**

مینا، ستاره بود:

یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت

مینا بنفشه بود:

گل داد و

مژده داد:

زمستان شکست!

و

رفت ...

رفقای عزیز سازمان ۸ مارس، با درود به شما و به یاد مینا حق شناس، خود را در غم رفتن او با شما سهیم میدانیم و این ضایعه را به بستگانش، به شما و سایر رفقای حزبیش و به همه مبارزین جنبش کمونیستی و جنبش زنان تسلیت میگوییم. یادش گرامی و راهش پر رهرو ژانویه ۲۰۱۱

**اخگر فرزانه**

با نسرين عزيز (مینا حق شناس)

در هفتمین مجمع عمومی ۸ مارس آشنا شدم.

دیدارمان تکرار نشد ولی در همین مدت کوتاه با چهره مهربانش و با تلاشش برای حضوری موثر علی رغم بیماری و مصرف دارو مرا تحت تاثیر قرار داد. قبل و بعد از هفتمین مجمع عمومی هم از دوستانی که او را از نزدیکتر می شناختند، در وصف پیگیری و تلاش خستگی ناپذیرش برای پیش برد اهداف جنبش انقلابی زنان بسیار شنیده ام. نسرين عزيز دیگر با ما نیست ولی یاد او با لبخند شیرین و نگاه امیدوار به آینده همیشه با ماست.

فقدان این زن مبارز را به همه یاران و نزدیکانش،

به همه زنان ۸ مارس، تسلیت می گویم.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

**شهرزاد مجاب و امیر حسن پور**

از خبر درگذشت مینا حق شناس، رفیق و یار جنبش زنان، بسیار متأثریم.

به شما یاران نزدیکش و اعضای خانواده اش تسلیت میگوئیم.

هر گل انقلابی که از باغچه ی زنان مبارز برچیده میشود،

این گلزار را کم رنگ تر میکند.

نباید گذاشت این گلزارهای مقاومت کم رنگ و تهی گردند.

نظام سرمایه داری افسار گسیخته به جان زنان

ایران، افغانستان، مکزیک، فلسطین، عراق، کلمبیا، سودان، کنگو و ...

افتاده، کجا نیفتاده؟

زنان این سرکوب، خشونت و بی رحمی مردسالاری-سرمایه داری مذهبی

و فئودالی را بی جواب نگذاشته اند و با شجاعت و جسارت

در مقابل این تهاجمات ایستاده اند.

مینا در عمر کوتاه اما پرثمرش توانست نقش موثر، مفید و سازنده ای

در ایجاد همبستگی زنان افغانستان و ایران برای مقابله با زن ستیزی اسلامی-

طالبانی داشته باشد. او از نسل زنان مبارز دوران انقلاب است که هیچگاه تسلیم

چرخشهای سیاسی- ایدئولوژیک محافظه کارانه ی چند دهه ی گذشته نشد و با

نیرو و روحیه ای قوی در راه سرنگونی رژیم زن ستیز اسلامی مبارزه کرد.

مینا از میان ما رفت؛ اراده، آرمان و روحیه ی انقلابی اش یادگاری ماندنی است.

برای ما و برای زنان جوانی که باید به گلستان مقاومت زنان بپیوندند.

۱۳/۰۱/۲۰۱۱

یادش گرامی باد، راهش پایدار

**مونا ( فعال سازمان زنان هشت مارس)****تورنتو**

ستاره ای از جنبش انقلابی زنان

و سازمان زنان هشت مارس خاموش شد

مینا فعال جنبش انقلابی زنان و کمونیستی پیگیر از میان ما رفت او یار و یاور همه زنان ستمدیده بود و زندگی خود را وقف مبارزه برای رهایی زنان و سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی کرد. مینا در زندگی کوتاه ولی پر بار خود و فعالیت های خستگی ناپذیر و مداوم خود میان زنان و مردم زحمتکش در دل همه آنهایی که او را از نزدیک می شناختند جا داشت چه خانواده ها یی که در ترکیه با او آشنا شده بودند و حالا در گوشه و کنار دنیا ساکن هستند و چه فعالین جنبش زنان و فعالین جنبش کمونیستی. من متأسفانه او را از نزدیک نمی شناختم ولی افتخار این را دارم که در سازمانی فعالیت می کنم که مینا از بنیادگذاران آن بوده است.

غم از دست دادن مینای عزیز بر دوش ما سنگینی می کند و این بجز با ادامه راه او که همانا مبارزه برای ساختن جهانی عاری از ظلم و ستم و درس گرفتن از روحيات انقلابی او سبک نخواهد شد.

یادش ماندگار و راهش پر رهرو باد ۱۴ ژانویه

## برهان عظیمی

رفیق مینا از اردوی بیشمار کار بود. پرولتری انقلابی که با شوریدگی خاطر همچون سرو ایستاده به چنگ مرگ و زندگی شتافت.

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگیست  
شوریده خاطر ما را برده به چنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند  
وانگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هر چیز گردند

رفیق مینا به عنوان یک کمونیست برجسته اصل واقع بین باش و آنچه را ممکن نیست طلب کن در طول زندگی پربارش به اجرا درآورد. همواره مبارزه با سختی و مشقت های مسیر پر پیچ و خم در راه دست یابی به هدف نهائی- کمونیسم- او را مصمم تر می ساخت. به ما یاد داد که مبارزه با سختی ها یعنی حل تضادهای موجود در طول راهپیمائی طولانی برای نیل به جهانی فارغ از ستم و استعمار کمونیستی، برای همین هیچ چیز او را متزلزل و متعجب نمی ساخت. رفیق مینا یکی از کادرهای برجسته جنبش کمونیستی ایران بود. عمیقا معتقد بود که رهائی و رفع ستم بر زنان در هیچ جامعه ای ممکن نیست مگر با آزادی و رفع ستم مردسالارانه زنان بدست خود زنان آگاه و کمونیست.

بر ما نبخشد فتح و شادی خدا، نه شه نه قهرمان

با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان

تا ظلم از عالم برویم نعمت خود آریم به کف

دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است

یادش همانند تمامی رفقای کمونیست در سراسر جهان در قلب من برای همیشه جا باز کرد.

تنها ما توده جهانییم اردوی بیشمار کار

داریم حقوق جهانیانی نه خونخواران غدار

گرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنان و دژخیمان

در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نورافشان

از مرگش انده نباید بر ما نشیند، زانو در خاک نباید مالید بلکه مصمتمتر به سازماندهی و نظم آهنین بپردازیم!

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

انترناسیونال است نژاد انسانها

## گزیده ای از نامه های مینا

پنجره ی اتاقم را باز کردم. پرده کرکره ها را بالا زدم.

نور تندی به اتاق تاریک و سردم هجوم آورد و گرمی مطبوعش برابم دلچسب بود. هوای تازه ای به صورتم خورد.

نوشته ی اخیر در نقد حقیقت سیاسی و ضرورت سنتز نوین از علم کمونیسم همان نور خورشید بود که به زوایای تاریک ذهنم تابید و گرمی بحث ها سردی ذهنم را گز زد. نمی دانم چه شدم؛ دوست داشتم برقصم؛ موسیقی گوش دهم؛ آوازبخوانم. حالت خاصی داشتم. چه خوب همه زوایای ذهن مرا جستجو کرده بود. تمام واژه هایی که در پس ذهنم شکل گرفته بودند، واژه ها، جمله هایی که هنوز به نظم در نیامده بودند و گره ای شده بودند قلمبه وار که دریچه ی ذهنم را مات کرده بود و بسته بود و از تب و تاب انداخته بود.

واژه های نو، گستاخ، بی پروا از مصلحت اندیشی ها آمده بودند و دریچه ذهنم را پاک می کردند. مرا از تاریکی به روشنایی می کشاندند. گویی همه چیز را می دانست. از دور فهمیده بود در ذهنم چه می گذرد. نه خدای گونه و آسمانی؛ بلکه زمینی، مادی، زنده، جاندار، جاری، متغیر و دیالکتیکی.

لحظه ای می نشستم؛ بر می خاستم؛ قدم می زدم؛ لحظه ای می خندیدم؛ لحظه ای اشک شوق چشمانم را تر می کرد. لحظه ای می هراسیدم از خود و رقفا. مرا به تفکر وا می داشت. مرا سرشار از حس مسئولیت می کرد. مرا از اتاق کوچکم به فضای بیرون می کشاند.

مرا با خود می برد و بر مرزها خط بطلان می کشید؛ محوشان می کرد؛ وصل می کرد مرا به طبقه ی جهانی ام. يك لحظه پشت دیوار کموناردها در «پرلاشز» پاریس بودم در آخرین لحظه عهد و وداع. لحظه ای در میدان «اوریان پلاتس» در برلین بودم در روز موعود، اتحاد کارگران جهان، اول ماه مه، با سرود انترناسیونال بر لب و پرچم جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در دست رژه می رفتم. يك لحظه در فضای کنگره بودم و عهد و پیمان رفیقانه یاران. و امروز در اینجا. از جا برخاستم. پنجره ی اتاقم را بستم. پرده کرکره ها را پایین آوردم و از خانه بیرون زدم. می دانستم کی هستم، می دانستم چرا اینجایم. می دانستم به چه طبقه ای می خواهم خدمت کنم. می رفتم، می رفتم تا خود را به موج مبارزاتی بسپارم و در دریای توده ها غرق شوم.

## مینا حق شناس یار و یاور جنبش رهایی زنان درگذشت

سحرگاه امروز مینا پس از چندین سال جدال مرگ و زندگی با بیماری جانکاه سرطان سرانجام ما را ترک کرد تا از این پس با خاطره پرقدرت او یادش را جاودانه کنیم.

بسیاری از فعالین جنبش زنان و جنبش کمونیستی و انقلابی ایران و افغانستان او را با نام نسرين و ستاره می شناسند. او سال هائی از فعالیت انقلابی خود را در آلمان و ترکیه سپری کرد.

در زمانی که از هر سو صدای سازش با مرتجعین حاکم بر مردم ایران گوش ها را کر می کرد، در زمانی که گروهی از زنان به قیمت فروختن منافع اکثریت زنان ایران به نواله ای از سوی مرتجعین اسلامی دل بسته بودند و بسیاری از اپوزیسیون خارج کشور نام این حقارت را، «درایت و موقعیت شناسی» ارزیابی می کردند، مینا (نسرین) و عده ای از فعالین جنبش زنان «کمیتة زنان هشت مارس» و سپس سازمان زنان هشت مارس (ایران- افغانستان) را در سال ۱۹۹۸ بعنوان تشکلی انقلابی که برای رهایی زنان از هر شکل ستم و استثمار مبارزه می کند، بنیان گذاشتند.

شاید امروز دیگر افزایش ارتجاع زن ستیز اسلامی کار ساده ای باشد، اما در آن روزها که تب خاتمی و «اصلاحات» ارتجاعی همه گیر شده بود، کار آسانی نبود. مینا اما در افزایش این ترفند پیگیر و جدی بود.

او در تجمعات زنان شرکت می کرد. به کسانی که دچار تب گرفتگی خاتمی شده بودند هشدار می داد که خورشیدشان کاغذی است و بر این باور بود که اولین گام رهایی زنان در ایران سرنگونی کلیت نظام زن ستیز جمهوری اسلامی است.

او فقط دشمنی مریدان نظام جمهوری اسلامی و طرفداران دوم خرداد را به جان نخرید. او یار و یاور هر زن ستمدیده ای بود. نه فقط بی عدالتی و ستم را بر نمی تابید، حاضر نبود «فعال زنی» باشد که مقبول جامعه مردسالار است، پس گاه با دشمنی و تهدید مردانی روبرو می شد که فکر می کردند او کاخ کوچک ستمگری خانگی شان را تهدید می کند. او به زنان می آموخت که ستم چیست و چرا نباید به روابط ستمگرانه تن دهند. مینا محبوب زنانی بود که او را می شناختند و در موردش شنیده بودند. مینا معلم بود و دانش آموز. می گفت من، هم یاد می دهم و هم می آموزم.

آن عده از زنان و مردان انقلابی و مبارز افغانستانی که او را می شناختند احترام و علاقه ی عمیقی به او داشتند. چون حس می کردند که مینا انترناسیونالیسم را نه فقط باور دارد بلکه آن را زندگی می کند. فضای فعالیت در میان زنان و مردان افغانستانی که طعم تلخ شوونیم ایرانی را چشیده بودند، آسان نبود. اما وی با صبوری و متانت تحمل می کرد تا نشان دهد که جنبش انقلابی زنان در ایران که او خود عضوی از آن بود انترناسیونالیسم را نه بعنوان درس اخلاق بلکه بخش لاینفکی از پیشروی جنبش زنان در ایران و سراسر جهان می داند.

مینا زندگی خود را در کمان رهایی انسان ها از هرگونه ستم و استثمار گذاشت. او در پیچ و خم حوادث، افت جنبش انقلابی در ایران و جهان، یاس ها و سرخوردگی ها، هرگز ذره ای در انتخاب راه و وقف زندگی خود برای تغییر انقلابی جهان تردید نکرد. او معنای بودن خود را در تلاش برای تغییر و تحول می دید و پیشترها از هر فرصتی که دست می داد، زیستن برای ساختن آینده ای شایسته را در شعر می سرود. اشعار بجا مانده از او جلوه هایی از ژرفنای درون و گستره مفهوم زندگی در نزد اوست.

مینا پیش از رفتن «مرگ را سرودی کرد سرزنده تر از زندگی»! ما را ترک کرد اما رد او بر ساحل زندگی پرقدرت باقی است. او در خاطر همه زنان و مردانی جای خواهد گرفت که ارزش تلاش برای ساختن جهانی که شایسته ی زیستن باشد را می دانند. او امروز و همیشه در خاطره همه ستمدیده گانی خواهد ماند که پیشروان و یاران پیگیر خود را در مبارزه برای رهایی از جهان ستم و استثمار و جهل، ارج می گذارند. این چنین بود که مینا سرود ماندگار زندگی شد.

اندوه از دست دادن این رفیق گرامی را به جنبش انقلابی زنان، یاران، دوستان، آشنایان و به خانواده اش تسلیت می گوئیم.

یادش و خاطره اش پایدار و گرامی باد!



## سروده ای از مینا حق شناس

## تولد

شب است

و

شب است

و

شب

سکوت

سکوت

سکوت،

سکوت بیداری

\*\*\*

دستی در خلوت خویش

فاصله های حس شدن

را می پیماید

ذهنی

سنگفرشهای خیال را

کنار همی می چیند

تا راهی یابد

برای جفت گیری

واژه های رهایی

قلبی

پر التهاب

بر دیوار دهلیز لحظه های بیقاراری،

طبل می کوبد

تا فردا را

از بازی «قاعده ها»

برهاند

لحظه های

بارور شدن

## معرفی کتاب: از شکوفه های درخت تن

هفده سروده

## مینا حق شناس

انتشارات حزب کمونیست ایران

(مارکسیست - لنینیست - مائونیست)



## دیباچه

مینا حق شناس اگر می خواست پای سروده هایش امضاء بگذارد معمولاً می نوشت ترانه یا سوسن. او را در دی ماه سرد امسال از دست دادیم، بعد از چهار سال نبرد سخت با آن بیماری جانکاه. گروهی از ما، مینا را به عنوان همسنگر و هم‌رزم می شناختیم، در بحث ها و جلسات طولانی، با گپ و نشریه، با پرچم سرخ در تظاهرات های انترناسیونالیستی. گروهی دیگر از ما با فعالیتهایش در صفوف جنبش رهایی زنان آگاه بودیم و حضور صمیمانه اش را در کنار همسرانش افغانستانی اش خوب به یاد داریم. شاید در بین ما کسانی هم باشند که در سال های دور، پیش از انقلاب ۵۷، مینایی را می شناختند که تازه دل به کمونیسم و مبارزه انقلابی سپرده بود. ولی بسیاری از آشنایان با عقاید و مبارزات مینا نمی دانند که او در خلوت خویش، آنگاه که آتشفشان احساساتش دنبال روزنه ای برای بروز می گشت، دست قلم می برد و شعر می سرود. سروده های مینا را کسی سفارش نداده بود. حتی زمانی که شعرهایی را برای این یا آن نشریه فرستاد، با کسی در مورد سروده هایش سر و کله نزد. او به شاعر حرفه ای بودن نمی اندیشید و شعر زندگیش در قالبی دیگر سروده می شد. ما نیز این سروده ها را همانگونه که هستند می پذیریم: بازتاب و نشانه ای از ذهنیت و احساس مینا در مواجهه با چند موقعیت شخصی، چند واقعه سیاسی، چند موضوع اجتماعی. انتشار سروده های مینا کمکی است به شناساندن گوشه ای دیگر از خصوصیات و نوع نگاهش به زندگی و آرمان رهایی.

ژانویه ۲۰۱۱



لمس شدند  
چفت شدند  
قفل شدند  
و واژه های بیداری  
در هم آمیختند  
طنابی از الفاظ نیاز

در هم بافته شد

راه شد

راهی سرخ  
در کهکشان شب



احساسی دگرگونه  
نو  
زنده  
محتاط  
سرکش  
عریان تر از  
بازی «قاعده ها»  
جان گرفت

و شهامت زاده شد

\*\*\*

و من

و من

از مدار بسته

تکرار «قواعد»

به بیرون پرتاب شدم

و خود را باز یافتم



زیر منگنه

«بایدها»

«نبایدها»

درد می کشند

آب می شوند

جان می دهند

\*\*\*

شب بارور است

آبستن لحظه های

شدن

در این کشاکش

لحظه های

ماندن

و

جاری شدن

در این کشاکش

درد

سکوت

درد

حسی غریب موج وار

تا بی نهایت اش

تا بیکرانه ذهن

در گذرگاه احساس

فرو نشست

دستها

مرزها و تنهایی

را در نوردیدند